

دانشجویان پیرو خط امام دیشب طی يك افشاکری بسیار مهم از فعالیت‌های نهضت آزادی برای حفظ منافع امریکا در ایران پرده برداشتند

امیر انتظام به عنوان عضو کمیته مرکزی نهضت آزادی با سفارت امریکا رابطه داشت

بقیه در صفحه ۷

# رابطه نهضت آزادی با سفارت امریکا فاش شد

## قابل توجه شورای انقلاب

# آیا جای نگرانی نیست؟

یاران واقعی مشی انقلابی امام نباید اجازه دهند که به پشتیبانان این مشی حتی از میان صفوف درونی جنبش اهانت شود.

دیگری در ادبیات برای دومین بار پخش شد، که در آن نیز اسلوب نظیر بکاررفته بود، یعنی ضمن ابراز ارادت تاجد ریاکاری بقیه در صفحه ۲

انقلابی نمائی می کنند) جز بسود دشمنان امریالیست نبوده نیست. سخنانی آقای شمس آل احمد تنها گوشه ایست از يك صحنه بزرگ. روز دوشنبه نیز سخنرانی

جریانات بشکلی کاملاً خوانادیده میشود.

روزنامه «اطلاعات»، در تاریخ ۲۹ آذر، از قول «انجمن اسلامی کارکنان نفت تهران» نوشت: «تجربه ثابت نموده که عوامل فعال ساواک، سازمان سیا، ایادی رژیم قبلی، فراماسونها با سفارت و زیرکی خاصی در برخی از ارکانهای حیاتی سلطنت نفوذ کرده و سیاست شیطان گیر (آمریکا) را دنبال می نمایند.»

روزنامه «جهاده»، در شماره ۲۶ آذر، نوشت: «همه تحریکات و جاذبه سازیها علیه نیروهای واقعی انقلابی (و نه آنها که بتازگی

جنون آسالی لجن مال کند. نه، تصادفی نیست.

اسلوبی که آقای شمس آل احمد نیز بکار برده است، یعنی دم از اخلاص برآیدان به شخص امام و اسلام و سپس منتسب کردن همه توطئه های ضدانقلابی در ایران، حتی نشر ورقه ای با امضاء شخصی بنا به بیان در تهران (که قبلاً در «آراه» از گان ضدانقلابیون شاهپرست چاپ یاریس منتشر شده بود)، به انقلابیون راستین، اسلوب تصادفی نیست و از مختصات شخصی آقای آل احمد ناشی نشده است. خط محرکان اصلی در همه این

سخنرانی طولانی آقای شمس آل احمد در «صدای جمهوری اسلامی ایران» (یکشنبه ۲ دیماه ۱۳۵۸) که تنها و تنها هدفش حملات خشن و کین جوانانه علیه کشورهای سوسیالیستی (رویش از همه اتحاد شوروی) و علیه نیروهای چپ (و پیش از همه حزب توده ایران) بود، نمی تواند تصادفی باشد. تصادفی نیست که يك تریبون سراسری ایران به سخنرانی داده شود که می تواند با ظاهر به ارادتندی نسبت به امام خمینی و مشی ایشان، دوستان انقلاب ایران و مبارزان صمیمی راه استقلال و آزادی این کشور را با عداوت



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۲۷ چهارشنبه ۵ دیماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۰ ریال

باشرکت کارگران، دهقانان و دانشجویان برگزار شد:

# راهپیمائی بزرگ علیه فئودالیسم

یکی از پلاکاردها:

مبارزه

با فئودالیسم

جدا از مبارزه

با امپریالیسم

نیست

حجت الاسلام شمسیری: «مبارزه با آمریکا، مبارزه با ستم آمریکا است. مبارزه با استثمار آمریکاست. چگونه ممکن است ما با این ظلم و ستم آمریکا مبارزه کنیم، ولی در کشور خود با استثمار مبارزه نکنیم؟»

در صفحه ۸



دهقانان زحمتکش عزم راسخ خود را برای ریشه کن کردن فئودالیسم اعلام میدارند

در ۸ صفحه امروز:

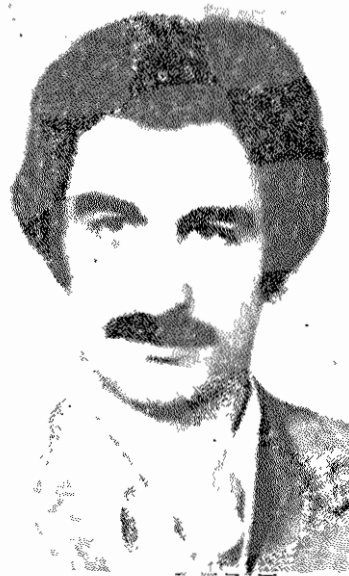
## گرایشهای مثبت و نو، در روزنامه ارگان چریکهای فدائی

هواداران نظریات مانوئیستی یا گروه اشرف دهقانی نه فقط با خرابکاریها و نظریات انحرافی خویش به انقلاب زیان میزنند، بلکه همچنین چریکهای فدائی را نیز به انحرافات خویش می آلاینند.

## طرح ملی کردن بانکها در چه مرحله ایست؟

ضدانقلاب صنعت نفت را هدف گرفته است

## امیر انتظام در دادگاه علنی



يك سال از شهادت استاد کامران نجات - الهی گذشت:

## استادی از قبار

## همه گلها بدست ما

عبور گنگ از گره های کور همه گشودنها بدست ما  
خروش قله چشم براه خورشید خورشید بدست ما  
برگها در انتظار واژه های نو - همه واژه ها بدست ما  
تیرگی، چشم براه چراغ چراغ بدست ما  
خاکستر سرد در امید شعله واخگرها بدست ما  
لبها در انتظار سرودی تازه گلدانها در انتظار گل خروسها در انتظار طلوع و همه سرودها، گلهای، نورها بدست ما همه نگاهها بدست ما دنیا بدست ما.

### آیا جای نگرانی نیست؟

بسمه از صفحه ۱ آشکار به مقام امام خمینی، به کسانی که بقول نامی، طی سیدسال اخیر از دنان برای همه، فرنگک برای همه، دم زده اند، از زاویه انتساب لامذهبی به آنها حملات گزنده شده بود.

مافشاء حزب توده ایران این جریان ناسالم را در این روزها میتوانیم بوی پوست و گوشت خود لمس کنیم. روش ما، سالها قبل از انقلاب اخیر ایران، روش مبارزه با امام پادشاه و پشتیبانی صمیمانه از دیگر انقلابیون کشور (و از آنجمله مسلمانان مبارز به رهبری امام خمینی) بوده است. اسناد آن از این روزها سالها بظرف موجود است. گفتمانهای عدیده «رادیویک ایران»، مقالات «روزنامه مردم» و «مجله دین» منتشر در خارج از کشور، سخنرانیهای نمایندگان ما در مجامع بین المللی موجود است. به سبب همین سیاست، شاه مخلوع از آن دشمنی که همیشه با کینه خاصی دم میزد، بقول او «توده ایها بی وطن» بود و جامعه را از اتحاد سرخ و سیاه می ترساند. هنوز هم شاه مخلوع از این نسخه دست بردار نیست و در مصاحبه اخیرش با «مجله اندیشه»، همین حرفها را زده و همین اباطیل را تکرار کرده است.

پس از انقلاب ایران، این حزب توده ایران بود که با تشخیص مصالح و منافع خلق و جنبش، بدون اندک تر از به جمهوری اسلامی رای داد و با آنکه برای قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان نقایس جدی قائل بود، باز هم بخاطر حمایت از مصالح انقلاب و حفظ همبستگی با امام خمینی، بدان رای «آری» داد.

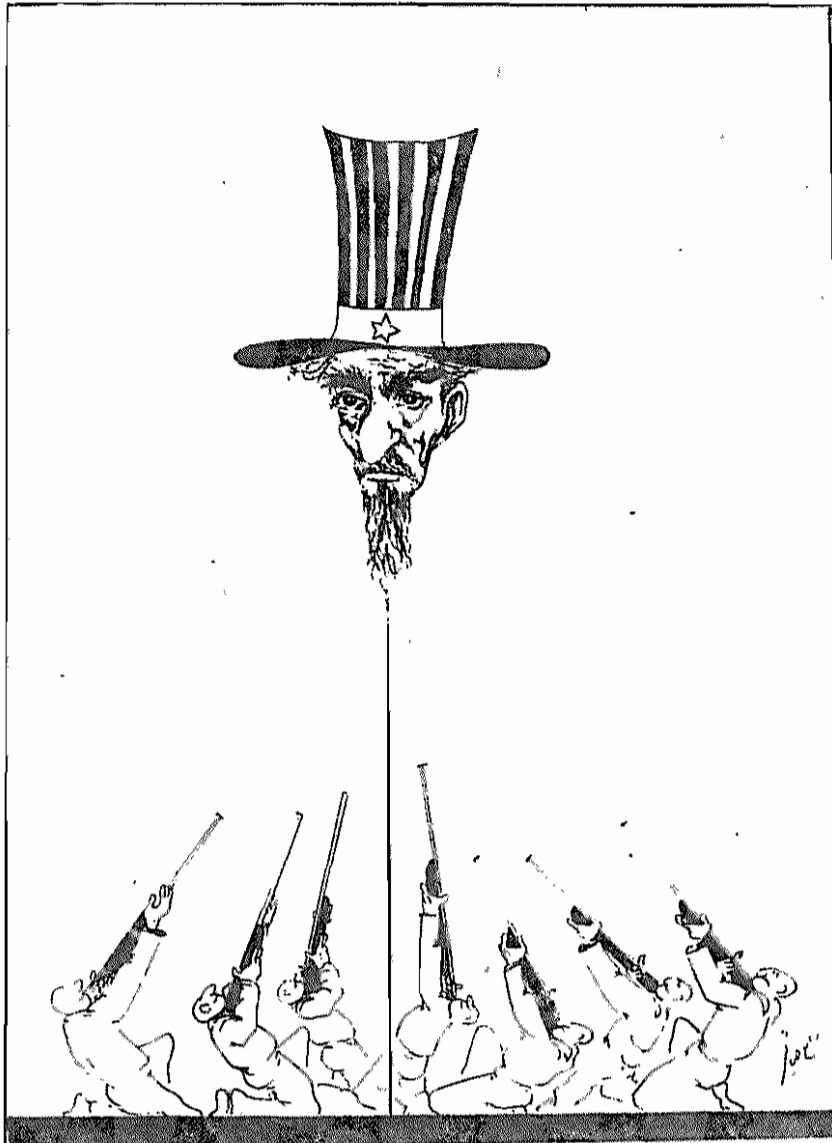
هر مسلمان صادق و مومن به انقلاب، اگر شیشه خورده ای در جانش نیست، قاعدتا باید باین همبستگی آرج نهد.

این همبستگی حزب ما بر پایه «اتحاد و اتحاد» انجام گرفته و میگردد. یعنی صمیمانه است، یعنی هرگز ما جهان بینی خود، نظر خود، اقتاد خود، پیشنهاد خود را نپوشانده ایم. دلایل آنهم وجود دارد: اوراق روزنامه مردم که از آغاز سال ۱۳۵۸ به برکت انقلاب امکان نشر ملی در تهران یافته است، و اتحاد در مقابل هر صریح هم نمیتوان کرد. این روش ماست، روشی که روشن است، روشی که انکار کردنی نیست، روشی که شریف و انقلابی و انسانی است و در برابر چشم همه است.

اما دوستان این روش، ما در همه دستکهای دولتی و غیردولتی، حتی نه تنها از جانب کسانی مانند شمس آل احمد (که می توان نادمه و ناشنیده گرفت)، بلکه از جانب افرادی میراث رسمی، نظیر انظار عیب کین توزانه، بر خاسته از خصومت بی پایان و سوزناک است به حزب توده ایران می نویسیم. صاف و ساده از حرفهای این اشخاصی بوی توطئه و تشنه انگیزی می آید.

این طرز واکنش نمیتواند از احساسات بی شائبه یک مسلمان مبارز، که نسبت به شی امام خلوص نیت دارد، تراویده باشد. این طرز واکنش ضد سوزناک قانون اساسی مصوب مردم و دارای مبرو

اسلحه های سرد و گرم، یعنی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه گیری به روی یکدیگر منحرف و به سوی دشمن های انسانیت که در رأس آن آمریکاست نشانه روید. - امام خمینی



پرواز ارباب اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق دانشجویان دمکرات - دانشکده کشاورزی کرج

### امیر انتظام در دادگاه علنی باید محاکمه شود

عباس امیر انتظام معاون نخست وزیر و سخنگوی سابق دولت موقت و سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در سوئد، پس از افساء اسناد جاسوسخانه آمریکا از جانب دانشجویان مسلمان پیرو خط امام - به اتهام داشتن روابط جاسوسی با مقامهای امریکائی، از طرف داستانی انقلاب بازداشت گردیده، اما تاکنون از جانب مقامات رسمی کشور، شورای انقلاب، داستان گل انقلاب و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، که آخرین پست امیر انتظام در این وزارتخانه بوده، از جریان رسیدگی به پرونده امیر انتظام و اینکه محاکمه وی چه وقت و بچه صورتی خواهد بود، هیچگونه خبر و اطلاعاتی منتشر نشده است.

در عوض از جانب آقای بازرگان نخست وزیر دولت موقت پیشین و عضو شورای انقلاب و مقامات دیگر نظریاتی در ارتباط با فعالیت های امیر انتظام در دوران معاونت نخست وزیری و مقام سفارت در سوئد، اظهار میشود که هدف از آنها دفاع از امیر انتظام و برائت این شخص از اتهاماتی است که طبع اسناد کشف شده در جاسوسخانه آمریکا بر وی وارد است و کوشش برای آنکه چنین وانمود شود که ارتباطهای امیر انتظام با ماموران سفارت آمریکا در چهارچوب ارتباطهای متداول میان نماینده دولت با یک سفارت خارجی بوده است.

ولی اسناد منتشره از جاسوسخانه آمریکا، در مورد ارتباطهای امیر انتظام با ماموران امریکائی، کوچکترین تردید و ابهامی باقی نمانده که این ارتباطها و تماسها با روابط متداول دولتی هیچگونه وجه مشترکی نداشته و صرفا جنبه جاسوسی و خرابکاری داشته است. در این اسناد آمده است:

«۱- توصیف کاردار سفارت آمریکا، بروس، از امیر انتظام، به عنوان یک شخص باهوش و نماینده بسیار ماهر دولت ایران در سخن گفتن کاملا صحیح است. انتظام در حقیقت علاقه به ادامه تماس با آمریکا دارد و بنظر میرسد خالصانه میکوشد تا دوباره روابط دو جانبه خوبی بین ایران و آمریکا برقرار کند.»

«۲- مسیما از کاردار آمریکا در استکهلم میخواهد به انتظام اطلاع دهد که ما حاضریم تبادل اطلاعات بعد از دهم سپتامبر انجام شود. این سند نشان میدهد که امیر انتظام قیلا تقاضای تبادل اطلاعات کرده، که از طرف مسیما با این تقاضا موافقت شده است.»

در سند دیگر گفته میشود: «انتظام خوشبین بود که سفرش به سوئد باعث آن نخواهد شد که در نتیجه اش بعنوان کانال ارتباطی بین ایران و آمریکا قطع شود. او میگفت: ارتباط نیز ساده تر خواهد شد و در آنجا بهتر از واشنگتن و تهران میتوانم حرفهایم را بزنم.»

فعالیت های جاسوسی امیر انتظام و ارتباط های وی با ماموران سفارت آمریکا و مسیما، که با اسناد بدست آمده از جاسوسخانه آمریکا بر ملا گردیده، از توطئه بزرگی بمقیاس کشور پرده بر میدارد که امیر انتظام به تنهایی در آن نقش نداشته است. اسناد بدست آمده از این جاسوسخانه در مورد ارتباطهای کسانی از قبیل ایرانبور، و رضی و مقدم مرغای گوته دیگری از این توطئه را افشاء میکند و قدر مسلم است که با رسیدگی دقیق و همه جانبه به پرونده امیر انتظام، نظاره کاملتری از این توطئه کسانی که در آن نقش داشته اند، آشکار خواهد شد.

امیر انتظام در یک مقام مسئول دولتی و در حساسترین موقعیت سیاسی کشور، که امپریالیسم آمریکا مشغول تدارک یک توطئه بزرگ علیه انقلاب ایران بوده، با این دشمن اصلی مردم ما در ارتباط جاسوسی بوده و نقش یکی از مبره های اصلی تحقق این توطئه را بعهده گرفته است. وی در جریان حوادث کامل دستکهای دولت موقت بوده، که حتی امروز هم با وجود اسناد غیر قابل انکار، که فعالیت جاسوسی و خیانت او را ثابت میکنند، از وی دفاع میشود. خود چنین برخوردی با این مسئله نشانگر آنستکه امیر انتظام مجری یک خطشی سیاسی تنظیم شده از جانب نیروهای معینی در داخل کشور بوده، که اجرای آن با توطئه های امپریالیسم آمریکا هم هم آهنگی داشته. بدین ترتیب هرچنانکه همه نیروهای وفادار به انقلاب طلب میکنند، امیر انتظام بایستی در یک دادگاه علنی محاکمه شود، تا مجموعه این شبکه توطئه افشا گردد و تمام کسانی که در این زمینه مسئولند، در برابر مردم ایران حساب پس بدهند.

در اطلاعیه چهار گروه اسلامی از اهواز، که در شماره ۴ دی روزنامه جمهوری اسلامی انتشار یافته، در این مورد بدترستی گفته میشود:

«افشاکری دانشجویان پیرو خط امام. در مورد جاسوسی امیر انتظام نفرت و خشم یکپارچه ملت را برانگیخته و مردم ما را بر آن داشت که هوشیارانه همه حوادث را تقییب کنند. با توجه به اینکه این مزدور آمریکا در زمان معاونت نخست وزیری در ایجاد آشوب در خوزستان خصوصا خرمشهر نقش مهمی را ایفا کرده و عامل اصلی بیانه دادن بدست خدای انقلاب در منطقه بوده، میخواهیم تا عملکرد او در مدت معاونت و سخنگویی دولت موقت بر سر تقییب گردد، تا احوال توطئه های دیگری که در مملکت رخ داده و دست او در آن دخالت داشته افشاء گردد.»

در این اطلاعیه آمده است: «ما از سبندس مهدی بازرگان میخواهیم در حضور ملت حاضر شود و توضیح دهد که با وجود جوانان انقلابی، مسلمان و شهید و وفادار به امام، بر اساس چه امتیاز و چه شناختی این شخص را به معاونت خود برگزیده است، تا بدین وسیله دست امپریالیسم را بطور مستقیم در سر فوشت این ملت ستم دیده دخالت دهند. ما همچنین از داستان گل انقلاب اسلامی ایران میخواهیم که این جاسوس آمریکا را، که در نزد ملت پلیدتر و گلیفتر و خائن تر از سمیراها میباشد، بطور علنی در دادی و تلوویزیون سراسری محاکمه نمایند و ارتباط او را در مدت معاونت مورد تقییب قرار دهند و در این مورد قاطعانه تر وارد عمل شوند و از فاشه فرار مقدم مرغای درس بگیرند.»

که مایک حزب سیاسی جدی هستیم و از تصحیح اشتباه فقط سود می بریم.

ما در این ارزیابی اشخاص، همانند ارزیابی خطوط سیاسی. غیر عمده را با عهده، فرعی را با اصلی خط نمیکشیم، جلب غیر عمده فرعی نمیشویم، عمده را با اصلی ملاک تشخیص قرار میدهم. انحراف از عمده و اصلی، بشرطی که تصادفی، ناخود آگاه، از روی اشتباه زودگذر باشد، قابل اغماض است.

بر مبنای آنچه گفته شد، درک این مطلب دیگر آسان است که چرا ما احوالنا شخصی را در شرایط معینی و به سبب اعمال معینی مورد پشتیبانی و یا انتقاد، و یا شخص را بعنوان یانگرسیمت مداومی بطور مداوم مورد حمایت و یا در معرض انتقاد قرار میدهم. حمایت از شخص، با انتقاد از او، با این ملاک است.

### ارزیابی «اشخاص» از دیدگاه سیاست حزب ما

غالبا از مامور پرسند که، چرا افلاان شخص را در فلان زمان مورد پشتیبانی قرار داده اند و یا فلان شخص را در فلان زمان وقت انتقاد کرده اند و یا فلان شخص را در فلان زمان فلان جریان نکوهش کرده اند یا نکرده اند؟

پاسخ اینکه، ماعلی الاصول به اشخاص کاری نداریم، بلکه به عمل مشخص در شرایط مشخص، به سیاستی که این شخص یا آن شخص اعمال میکند، به گفتاری که بیانگر سیاست و روشی مشخصی است، به کرداری که در جهت معینی انجام میگردد، کار داریم و اگر گهگاه نام این یا آن شخص را میبریم، یکی را مورد پشتیبانی و دیگری را مورد انتقاد قرار میدهم، بسبب آنستکه، شخص نامبرده بیانگر نظر معینی در مسیر سیاست معینی بوده و یا عمل معینی را در اجرای سیاست معینی انجام داده است.

ما با اشخاص کاری نداریم، مگر اینکه به هیئت وسایقه آنها آنچه در مدتی کوتاه، بلکه طی زمانی دراز و طبق اعمال یکدیگر آنها و بر مبنای اسناد غیر قابل رد، آشنائی کامل پیدا کرده باشیم.

حزب ما حزب سیاسی است و دارای سیاستی مدون، سیاستی که بر مبنای برنامه حزب تدوین شده و هدفش تامین استقلال کامل و آزادی ایران، ساختن ایرانی آباد و سواد خلق زحمتکش، بسود مستقیمین است. ما از دیدگاه این سیاست به اشخاص، به وقایع، به جریانها، به سازمانها، به دیگر احزاب، به این سیاست و آن سیاست میگرییم و با مایک سیاست مدون خود، که بر پایه مضمونگیری طبقاتی است، آنها را می سنجیم و ارزیابی میکنیم.

حزب ما نه بر مبنای حب و بغض نسبت به این یا آن، نه بر اساس پیشداوریهای ذهنی نسبت باین یا آن جریان سیاسی، عمل میکند. ما از موضع سیاست حزب، که ناشی از برنامه حزب است، اشخاص را که با پیگیری سیاست معینی را دنبال میکنند، تأیید میکنیم و مورد انتقاد قرار میدهم.

ماحتی المقدور از بردن نام اشخاص پرهیز میکنیم، نه فقط بدلیل اینکه ما تمهید خواهیم و نه میتوانیم «پرونده» روش سیاسی برای این و آن بسازیم، بلکه همچنین برای اینکه مستقیم کورید اشخاص نسبت به حوادث و جریانهای سیاسی میتواند طی زمان بر اثر کنش و واکنش وقایع و جریانها، چند جهت مثبت، چند جهت منفی تحول یابد، اگر دید و روش سیاسی افراد طی زمانی طولانی «استخوان» گرفته باشد، آنکاملا بخود اجازه میدهم که آنها را بعنوان تجسم و بیانگر سیاست معینی، در جهت تأیید یا در جهت انتقاد، نام ببریم. ماسی داریم در ارزیابی اشخاص، همانند ارزیابی جریانهای سیاسی محتاط و ژرف اندیش باشیم، از شناختزدگی در هر گونه ارزیابی پرهیزیم. از اینرو ما بر مبنای واقع و مجزا و یک عمل احیانا درست یا خطا تفاوت نمیکشیم. ماسی داریم زنجیره اعمال را دنبال کنیم و با تحلیل اعمال پر شمار که با یکدیگر پیوند داشته باشند، چه اشخاص وجه جریانهای سیاسی را، ارزیابی کنیم. ما این روش را در ارزیابی اشخاص و مشی سیاسی گروههای سیاسی نسبت به مسائل معین، نه فقط نسبت به دیگران، بلکه نسبت به خودمان نیز بکار میبریم. ما رفتار و کردار اشخاص را با کمک سیاست مدون حزب نسبت به مسائل معین می سنجیم و سیاست حزب را نیز با کمک جریان عینی حوادث، با تحلیل علمی جریان حوادث مورد سنجش قرار میدهم، آنرا تقییب و تکمیل می کنیم.

ما بر آنیم که هر کس جایز الخطاست، هر کس در مورد معین خاصی میتواند اشتباه کند، همچنانکه اتخاذ سیاستی نسبت به مسئله معینی میتواند اشتباه آمیز باشد، ولی ما مستقیم که چه خطا از شخص سر زده باشد و چه ناشی از سیاستی اشتباه آمیز باشد، باید به بعضی درک لغزش، تصحیح شود. اگر خطا بموقع اصلاح نشود، و بدتر از آن، اگر خطا دنبال شود و بصورت مشی خطا در آید، آن خطا و خطا کار، که در واقع نقشی مبلغ خطا و با مبروری مشی خطا را ایفا میکند،

### آیا راست است:

که محمد صالح غیائی رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۱۳ قیلا با ساواک شاه همکاری داشته است؟

آنها را می بینید. تبلیغ ضد کمونیستی می کردند

اساسی ۳۱ نفر از عناصر ساواکی صنایع نظامی الکترونیک شیراز منتشر شد. در این لیست نام ۳ نفر، که مسترهای ضد امپریالیستی رایا را می کردند و راه پیمائی ضد کمونیستی بر امی انداخته، دیده میشود.

در لیست عمال ساواک صنایع نظامی الکترونیک شیراز که به گفته کارکنان ناقص است و تنها ۳۱ نفر از ۲۷۰ ساواکی این صنایع را معرفی کرده است، از جمله نام شخصی بنام قربان زاغ دیده میشود. این شخص پوستری حزب توده ایران، از جمله پوستری را که بنحسب میبازراده مردم ایران علیه امپریالیسم آمریکا تحت عنوان «هر کس بر امپریالیسم آمریکا چاپ و توزیع شده بود، یاره میکرد. در این لیست نام شخصی دیگری هم بنام ابوالقاسم قانلی دیده میشود. این شخص هم به پنهان های مختلف پوسترها، پلاکارها و اعلامیه های و مطالب ضد امپریالیستی رایبازره میکرد. از نامهای آشنای دیگر این لیست مهدی شاد کام است. او در روز اول مهر امسال، با تحریک گروهی از افراد متدبیب، راه پیمائی به راه انداخته که در آن شاندهای تند ضد کمونیستی داده میشد.

انتشار این لیست نشان داد که چه کسانی شمارهای ضد کمونیستی مطرح میکنند، با مبارزات ضد امپریالیستی مخالفت و میکوشند بهر ترتیب شد، مسیس مبارزه را منحرف کنند.

مامرا از مسئولین صنایع نظامی خواستاریم که نام تقییب ساواکیها را هر چه زودتر تهیبه

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران

بادرودهای فراوان سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران و انتشار مجدد مردمی ارکان مرکزی حزب را بشما و همه اعضا و هواداران حزب از سیم قلب تبریک میگویی و با تمام توش و توان خود آماده مبارزه در راه آرمانهای حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران هستیم.

دانشجویان دمکرات ایران بوبال (هند)

تکلیف

شورای کارخانه دایران

### باز هم علیه خط امام از رادیوی جمهوری اسلامی ایران

صدای جمهوری اسلامی ایران، ساعت ۴ بعد از ظهر دیروز، از طریق برنامه دوم خود، به مدت دو ساعت سخنان شخصی معلوم الحال - شمس آل احمد - را برای بار دوم پخش کرد.

در این سخن پراکنی ضد انقلابی، که گویا به تقاضای شنوندگان رادیو و با درگیری پیش شد، شریک باند بقائی - ملکی با صراحت کامل آمریکایی گناه اعلام کرد و از طریق رادیوی مردم ایران، علیه خط امام و به نفع آمریکای خونخوار به تبلیغات پرداخت. ما بنا به وظیفه انقلابی خود، ضمن اعتراض شدید به رادیو، که چنین فرصتی را به عمال آمریکا میدهد، سخنان این شخص را افشا خواهیم کرد و نشان خواهیم داد که آنها که یک پایتان در محافل ماونیستی است و یک پایتان معلوم نیست در کجا، چگونه از آمریکا دفاع می کنند.

در آغاز سی و هفتمین سال مبارزات پیگیر حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، و همراه با مشی اصولی این حزب در موفقیت کنونی ما اعضای قانون دانش آموزان ایران دبیرستان زاندارک امیدواریم بتوانیم در پرتو زرفنگری حزب توده ایران از لژنرها بهره میزیم و روزی به صفوف متحد حزب طبقه کارگر بپیوندیم.

مؤک بر امپریالیسم آمریکا زنده بان جبهه متحد خلق در و بر کمیته مرکزی حزب

مؤک بر امپریالیسم آمریکا زنده بان جبهه متحد خلق در و بر کمیته مرکزی حزب

مؤک بر امپریالیسم آمریکا زنده بان جبهه متحد خلق در و بر کمیته مرکزی حزب

مؤک بر امپریالیسم آمریکا زنده بان جبهه متحد خلق در و بر کمیته مرکزی حزب

مؤک بر امپریالیسم آمریکا زنده بان جبهه متحد خلق در و بر کمیته مرکزی حزب

مؤک بر امپریالیسم آمریکا زنده بان جبهه متحد خلق در و بر کمیته مرکزی حزب

مؤک بر امپریالیسم آمریکا زنده بان جبهه متحد خلق در و بر کمیته مرکزی حزب

مؤک بر امپریالیسم آمریکا زنده بان جبهه متحد خلق در و بر کمیته مرکزی حزب

مؤک بر امپریالیسم آمریکا زنده بان جبهه متحد خلق در و بر کمیته مرکزی حزب

مؤک بر امپریالیسم آمریکا زنده بان جبهه متحد خلق در و بر کمیته مرکزی حزب

مؤک بر امپریالیسم آمریکا زنده بان جبهه متحد خلق در و بر کمیته مرکزی حزب

مؤک بر امپریالیسم آمریکا زنده بان جبهه متحد خلق در و بر کمیته مرکزی حزب

مؤک بر امپریالیسم آمریکا زنده بان جبهه متحد خلق در و بر کمیته مرکزی حزب



از روزنامه طریق الشعب

ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق:

# حزب توده ایران و موضعگیری اصولی در مبارزه برای حفظ گسترش انقلاب

از زمان پیروزی قیام توده‌ها در ایران، حزب برادر ایران، نقض درخشان و مهمی در مبارزه برای حفظ و گسترش انقلاب و دستاوردهای آن و نیز در مقابله با توطئه‌های ضدانقلاب و امپریالیسم آمریکا و عمال آن در داخل کشور و در منطقه ایفا کرده است.

ناظران سیاسی، شاهد برخورد عاقل مسئولانه حزب برادر در مقابل وقایع تحریک‌آمیز در ایران، تشخیص صحیح آنچه که در انقلاب ایران اساسی است و نیز ارزیابی درست از رهبری مذهبی آن، هستند. ازجمله نتایج این سیاست، افزایش محبوبیت حزب در بین مردم، گسترش پایه‌های آن و تحکیم موقعیت حزب در جنبش سیاسی و مذهبی مرفی ایران است.

آنچه که مایه افتخار است، اینست که حزب برادر، حزب توده ایران، بر ضرورت پیچ تمام احزاب و نیروهای مرفی و منجمله، محافل مذهبی آگاه و راستین و متحد نمودن ساعی آنان در چارچوب ائتلافی ملی و دمکراتیک تأکید دارد. این ساعی حزب، تفاهم روزافزونی را در میان سازمانهای انقلابی ایران پدید آورده است.

چرا که تحقق این شعار صحیح، یعنی وحدت نیروهای ملی، دمکراتیک و مرفی یکی از شرایط غلبه انقلاب بر حملات وحشیانه امپریالیسم در این موقعیت حساس و پیچیده است. رشد مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، انشای توطئه‌های آن در ایران و منطقه و نیز قطع منافع غارتگرانه آن از یکطرف و از طرف دیگر، تکیه بر توده‌های مردم و تأمین شرکت فعال و وسیع آنها در سرنوشتشان، تحکیم آزادیهای دمکراتیک و تأمین شرکت کلیه نیروهای انقلابی و مرفی در روند مبارزه علیه دشمنان خلق، تقویت مناسبات با کشورهای سیستم جهانی سوسیالیسم و کلیه نیروهای انقلابی در جهان، اتخاذ تدابیر اقتصادی و اجتماعی لازم برای استقلال اقتصادی و بالا بردن سطح زندگی توده‌های زحمتکش و حل مشکلات آنان، به حفظ و گسترش انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی یاری میرساند.

در این شرایط حزب برادر ما، در بیانیه‌ها و در زندگی عملی، بر این عوامل تکیه می‌کند و هشدار میدهد تا با توجه به تجربه نهفت‌شده ملی دکتر مصدق که بدست ضدانقلاب شکست خورد، از تکرار حوادث تلخ، ممانعت شود.

آنچه مایه افتخار است بویژه آنست که توده‌ایهای ایران از درک عمیق در مورد مساله ملی برخوردار بوده و در چارچوب مفهوم لئینی آن، برای تأمین حقوق حقه خلقهای ایران منجمله خلق کرده مبارزه میکنند.

درد بر حزب توده برادر ایران که پرچم مبارزه را با از خود گذشتگی و تحمل قربانیهای بسیار برافراشته‌اند و در راه تحقق آرمانهای خلق ایران، گام بر میدارند.

درد و سیاست کمونیستها و دمکراتهای عراق بر حزب توده ایران که از مبارزات مردم عراق، بی‌دریغ پشتیبانی میکنند.

درد بر مردم قهرمان ایران که بهجهانیان درسهای گرانبهای در نبرد انقلابی و مقدس خویش علیه امپریالیسم آمریکا، می‌آموزند.

روزنامه مخفی طریق الشعب - ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق شماره ۵ اواسط دسامبر ۱۹۷۹ (اواخر آذر ۵۸)

۲ دیماه روزنامه‌ها خبر دادند: سازمانیکه با پوشش «اسلامی» کلاهبرداری میگرد کشف شد. طبق اعلامیه دانشان کل انقلاب ایران این سازمان تنها «اخانی و کلاهبرداری» نمیکرد (که این خود در شرایط انقلاب عملی است یا مضمون ضدانقلابی) بلکه «اداری پاسدار مسلح، کسارت عضویت سازمان و همی مجاز حمل اسلحه که ساختن آن غیرقانونی میباشد» بوده است. عبارت دیگر سازمانی بوده است ضدانقلاب اسلامی با پوشش «اسلامی».

چند روز پیش ماهیت ضدانقلابی سازمان دیگری با پوشش «اسلامی» بنام حزب خلق مسلمان، بقدری واضح و آشکار شد که به گفته «اداری پاسدار» سازمانی «فکر نمی-کنم لزومی داشته باشد که شورای انقلاب آنرا بنخل اعلام کند، چون مردم، گروه‌ها و علما درخواست انحلال آنرا کردند» این حزب هم، پس دلیلی خودش احساس کرد که ادامه کار برایش مقصود نیست و البته «هفته» هنوز ضدانقلاب آمید به فعالیتهای بعدی دارد (انحلال اعلام کرد).

از افراد جداگانه و متعددیکه آنها هم باز زیر همین پوشش

# پوشش «اسلامی» و صداقت انقلابی

قلم آورده بدستی این عنوان را برای آن انتخاب کرده است: «نقاب مذهبی بعضی سرمایه-داران و فتودالها مولود اتحاد نامقدس زر زور و تزویر است». يك هفته پیش (۲۷ آذر) داستان انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان که بریدن گوش و دریدن شکم کشاورزان بدست فتودالها راخبر میداد در مقابل همین اتحاد نامقدس «فتودالها، ساواکیها، چپ‌نماها» از امام استمداد سبخت. ۲ روز پیش ما از «توطئه ارتجاع بزرگ مالکی کتبدقابوس زیرپوشش شعارهای نظام اسلامی» مطلع شدیم. از اینگونه رویدادها بسیار میتوان شمرد.

به‌بینیم این قبیل افسراد، گروه‌ها، سازمانها و احزاب (که رویبهرفته اقلیت‌ناچیزی را تشکیل میدهند) چرا زیرپوشش «اسلامی» علیه انقلاب اسلامی اکثریت قریب باقیاق مردم ایران عصیان می-کنند جواب این سؤال راوردی-دادهای واقعی زندگی روزانه داده و میدهند. خبرنگاریکی سخنرانی جذاب استاد رضا اسفهانلی معاون وزارت کشاورزی در شیراز رابه

و می‌آید. پوشش ایدئولوژیک، اندیشه‌ای و اعتقادی فکطوسله‌ای برای این مستکبرین است تا به غصب حقوق مستضعفین ادامه دهند. چون انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی حقیقتا انقلاب مستضعفین است و بازیس گرفتن حقوق غصب‌شده آنها را وجهه همت خود قرار داده است آنها، این افراد، گروه‌ها، سازمانها و احزاب ظاهرا «اسلامی» باتمام وجود خود مخالف این انقلابند. پوشش «اسلامی» برای آنها فقط تا آنجا و بدان شکل و تا آن اندازه لازم است که بتواند منافع مستکبرانه آنها را در مقابل مستضعفان حفظ و تأمین کند. پوشش عقیدتی نباید و نمیتواند نیروهای راستین انقلاب را که واقعا مدافع منافع مستضعفانند فریب دهد. آن فتودال و بزرگ مالکی که با اتکا بقدرت و مالکیت خصوصی در اسلام گرد ازباده آن منافع مادی و معنوی غاصبانان و ناپستی است که از استثمار بیرحمانه کشاورزان و کارگران مستضعف بدست آمده

## در مطبوعات کشور

ارتجاعی آنان رابه‌عکس‌المعل-های مذبوحانه‌ای واداشته است. ماضن بررسی طرح ارائه شده آن را اسلامی ودر نتیجه انقلابی و مردمی دانسته و صرفنظر از نقاط ضعفی که ممکن است در آن وجود داشته باشد که اصلاح شدنی است، از آن بدست پشتیبانی میکنند. همچنین انشورای انقلاب اسلامی میخواستیم دربه اجرا درآوردن طرح‌های بنیادین اسلامی کهقیقتا در جهت اكمال مبارزات ضدامپری-یالیستی است، گامهای سربمتری بردارد. بدیهی است تصور در اجرای این طرحها لطمانت‌جبران‌ناپذیری رامتوجه انقلاب اسلامی خواهد نمود و طبیعی است که در آن صورت مسئولیت این مهم متوجه آنشورا خواهد بود. لذا بر آن شورا است که عوامل بازدارنده امور فوق‌الذکر را افشاء نموده و اقدامات مقتضی بعمل آورد. (اطلاعات، دوم دی)

## تلگرام اهوازی به شورای انقلاب عوامل بازدارنده طرح تقسیم زمین را افشاء کنید

بسم الله الرحمن الرحيم شوراى انقلاب اسلامى ايران! در روزهای اخیر عنوان شدن طرح انقلابی و اگاداری زمینهای بزرگ توسط برادر استاد رضا اسفهانلی، زمینداران و ملاکین و عوامل

## ایران درخواست استرداد شاه مخلوع را از آمریکا دارد



حالا چرا تحویلش نمیدی؟ عمو ساس - آخه میترسم نوکرهای دیگر و از دست بدم!! (انقلاب اسلامی - ۲۶ آبان)

## بکوشیم «امیر انتظام» های نقابدار رسوا شوند

مضحک است. کوله‌بار امانتی که تا اینجای راه جز بردوشهای یرتوان معدقها، نوایها، طاقانی‌ها، حنیفها، سعیدی‌ها، غفاریها، شریفها و سرانجام امام خمینی، حمل شده است از این پس باید بردوشهای ناتوان یا «توانا برای خیانت» امیرانتظامها، مراغه‌ای‌ها، نیک‌خلق‌ها و حداکثر شیرپاک‌خورددهایی مثل نژیها و ایزدی‌ها حمل شود! اینجا است که باید به یک نکته اساسی عمیقا توجه کرد. و آن نکته اینست که هرگز نباید ماجرای افشاکاری امیرانتظام را فقط بشکل یک خبر که برده‌از «رابطه محرمات» یک فرد بیگانه» برمیدارد، در قالب مثنی اسناد و مدارک ارائه کرد و قضیه راتمام شده دانست. آنچه مهم است «تحلیل» خیراست نه افشای آن. پدیده «امیر انتظام» نباید چنان طرح شود که انگار یک حادثه است و یک فرد. باید این پدیده را بصورت یک «جریان» در بستر جامعه شناسایی کرد و مردم نشانداد. دانشجویان پیرو خط امام بهتر میدانند که باید «خبر تحلیلی» ارائه کنند. و از حضور یک «جریان» خبر دهند، چنانکه هر کسی برائی کشف و افشای روابط جاسوسی امیرانتظام به مسائل ذیل بیندیشد:

نخست اینکه آیا این «امیرانتظام»، تنها امیر انتظام دنیا است یا «امیرهای دیگر نیز نظیر او هستند که می‌کوشند رشته انتظام امور را بدست گیرند؟

— باید دید سابق زندگی، مسیر حرکت، مراحل مختلف فکری و عملی، موضعگیریها، اعتقادات، حرفها، اظهارنظرها و بالاخره خط مشی و عملکرد این طوطی سخنگو چیست و چه بوده است؟ مجموعه صفات او را باید جمع‌بندی کرد، ارزیابی کرد و آنگاه «خطه» او را کشف کرد. در حال حاضر میان این همه خطوط، خط امیر انتظام هم خطی است؛ ویژگیهای این خط را باید برای عموم تشریح کرد و بر مردم. باید نشان داد که امیر-انتظامها محصول چه جریانی است، جزء کدام کل است و نقطه کدام خط؟

— پدیده امیرانتظام، یعنی کنارآگذاشتن معیار «تقوی و خردسازي»، «ایمان و اعتقاد عمیق به ایدئولوژی رهایی بخش اسلامی»، «شناختن مکتبی» و «میزان سرمایه‌ای که در راه مبارزه و جهادشکجه باید اندست داده» در انتخاب و واگذاری مسئولیتهای یساز انقلاب، راستی

## قسمتی از اعلامیه‌ی جنبش مسلمانان مبارز روش و بینش دولت و شورای انقلاب باید در جهت خط امام دگرگون شود

هم اکنون امام و دانشجویان مبارز کل مبارزه ضد امپریالیستی خلق زیر فشار همه جانبه امپریالیسم و مزدوران و محافل سازشکار وابسته به آن قرار دادند. با کمال تأسف باید اذعان کرد که ارگانهای تصمیم گیر و اجرایی قدرت و ظرفیت مقابله با این توطئه‌ها و توان همراهی و همگامی، چه رسد به پیشانی با مبارزه ضد امپریالیستی خلق و خط حرکت امام را ندارند این حقیقت را تجربه ده ماه گذشته بخوبی ثابت کرده است...

دردورد نتایج افشال جاسوسخانه آمریکا آمده است، ... در حرکت و پیچ مجدد توده‌ها و رشد آگاهیه‌های سیاسی آنها، تخفیف تضادهای درون خلقی و بی اعتبار شدن معیارهای انحرافی و بارز شدن تضاد عمده خلق با امپریالیسم، شناخته شدن پایگاههای امپریالیسم در داخل، سرمایه‌داری و بنیودالیسم و آشکار شدن چهره متحدین و نیروهای سازشکار و محافظه کار، مرتجعین، لیبرالها و اصلاح طلبان، جدا کردن صف این محافل ارتجاعی سازشکار و محافظه کار از صف توده‌های انقلابی و مشخص تر کردن خط حرکت انقلاب و امام...

جنبش مسلمانان مبارز پیشنهاد میکند، «تعمیر بنیادی کادرها و ارگانهای تصمیم گیری و اجرایی بمنظور تصفیه عناصر سازشکار و محافظه کار و تقویت آن به کمک هم‌عناصر جوان و انقلابی و برخورد آرازیست مکتبی و صداقت و وفاداری به انقلاب...

تجربه ده ماه گذشته ثابت کرد که روش و طرز عمل و پیش فکری و مشی دولت و شورا در مجموع با مقتضیات و ضرورتهای انقلاب و پیچیدگی مبارزه و شرایط موجود متناسب و هماهنگی ندارد ... آنان خط امام را بر طبق مذاق و بینش و مصلحت فردی تفسیر میکنند، این طرز عمل برای انقلاب سهمناک است.

## از سوی دانشجویان مسلمان دانشگاه علم و صنعت: افشای تمام عناصر و شبکه‌های سیا و ساواک در خواست شد

در زمانی که ارتجاع بانامی تلاش می در به انحراف کشیدن مسیر مبارزات ضد امپریالیستی خلق قهرمانان داشت. شما با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، شوری تازه در ایران آفریدید و اکنون که باز ارتجاع با حمله به مراکز نیروهای انقلابی قصد دارد رسالت خویش را انجام دهد و مبارزات ضد امپریالیستی را به مبارزه علیه انقلابیون جان بر کف تبدیل نماید، شما با افشای یکی از مزدوران آمریکا بار دیگر پیچیدگی امپریالیسم و لزوم هوشیاری مردم را مطرح کردید. مطمئن باشیم که تنها «عباس امیر انتظام» عامل امپریالیسم در ارگانهای حکومتی نبود و باید با هوشیاری انقلابی تمام عوامل امپریالیسم را نابود نمائیم.

## کلخ بیدار زین کزیم خانه خراب را کنیم آبا و

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان! ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و یا ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رضاشلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک تهران، شعبه ایران شهر شمالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک تهران ممکن است. (۲) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران با درود فراوان با اطلاع میرساند که ما اعضا و هواداران حزب توده ایران در شرکت برق منطقه‌ای تهران تمهید میکنیم که تا پایان ساختن کامل خانه حزب، همه ما همگی یکروز حقوق خود را بپردازیم تا بتوانیم همه در جشن چهلین سال حزب در خانه خودمان شرکت کنیم.

اعضا و هواداران حزب توده ایران در شرکت برق منطقه‌ای تهران

# طرح ملی کردن بانکها در چهره مرحله ای است؟

بوجه کل کشور است.

## چه اقداماتی در جهت اجرای ملی کردن بانکها ضرورت دارد؟

شاه مخلوع در اواخر عمر نکبت‌بار رژیم خود، بمنظور گسترش سرمایه‌داری در ایران، اقدام به تأسیس بورس اوراق بهادار جهت انجام معاملات قماری، سفته‌بازانه و نیز تأمین سرمایه شرکتها و بانکهای خصوصی کرد. افزایش درآمد نفت و سرساز شدن آن در اقتصاد مرفی و وابسته دوران رژیم گذشته، موجب افزایش درآمد اسمی و کاذب برخی افراد شد، بطوریکه تعدادی از مردم نیز توانستند بخشی از سهام بانکها، شرکتها و مؤسسات خصوصی را خریداری کنند. اما نسبت سهام همواره بنحوی بود که کنترل کامل بانک و مؤسسات خصوصی در اختیار سرمایه‌داران بزرگ باقی ماند. اکنون، علیرغم ترقی پول و اعتبار به بانکهای خصوصی سابق، اغلب این بانکها کماکان ورشکسته هستند و یادآور آستانه ورشکستگی قرار دارند. در واقع میتوان گفت آنچه که در بانکهای خصوصی ملی شده، بدنی‌های آنها بوده است نه دارایی و اموال سرمایه‌داران.

بنابراین، آنچه که در درجه اول در مورد بانکهای ملی شده باید روشن گردد، مسئله مالکیت سهام آنهاست. سرمایه‌داران بزرگ و خارجی باید بدون پرداخت غرامت مصادره گردد و سرمایه‌داران جزء، که بطور عمده خرید سهام برای آنها نوعی پس انداز یا سرمایه‌گذاری بوده است، پس از تدوین ضوابط، بطریقی معقول مورد استفاده قرار گیرد.

دومین اقدام عاجلی که در جهت اجرای هرچه بهتر ملی کردن بانکها ضرورت دارد، ادغام بانکها در یکدیگر است. در آستانه پیروزی انقلاب، چنانچه مرکزی ایران، که وظایف جداگانه‌ای دارد، ۳۶ بانک تجاری، تخصصی و عمرانی وجود داشت، که از این تعداد، ۸ بانک دولتی و ۲۸ بانک خصوصی بود. در بین بانکهای ملی شده، ۱۴ بانک دارای سرمایه‌های مختلف ایرانی و خارجی است. ادغام بانکها در یکدیگر دارای مزایای زیادی از قبیل تقلیل هزینه‌های پرسنلی، تمرکز استفاده از خدمات حسابداری و کامپیوتری است. در زمینه اجرای برنامه‌های اقتصادی و سیاست‌های پولی کشور، ادغام بانکها و تمرکز معقول و مطلوب امور بانکی کشور موجب میشود که سیاست‌های پولی و اعتباری بتواند بهتر اجرا گردد و نظارت بر فعالیت بانکها سبکتر گردد. بعلاوه ادغام بانکها در یکدیگر بدولت امکان میدهد که تجارت خارجی کشور را، که امری حیاتی و ضروری برای اقتصاد بحران زده ایران است، براحتی تحت انحصار و کنترل خود درآورد.

خوشبختانه نخستین گام در راه ادغام بانکها از جانب آقای بنی‌صدر، سرپرست وزارت دارایی و اقتصاد برداشته شده، که امیدواریم در این راه گامهای جدی‌تر و قاطع‌تری برداشته شود.

تجدید سیستم بانکی کشور متناسب با اهداف انقلابی و نیازهای یک اقتصاد مستقل و ملی، با دشاریهای عده‌های مواجه است و اجرای دقیق و صحیح آن نیاز به زمان دارد. ولی یکی از مهمترین گامها در این راه ملی کردن واقعی بانکهاست، زیرا تنها از این راه است که میتوان بانکها را از عملیات جهت‌انباشت سرمایه از طریق استعمار، بهره‌کشی و ریاخواهی، تبدیل به مؤسساتی جهت تسهیل گردش کالا و خدمات ایجاد نمود.

باید، دولت موقت بجای ملی کردن بانکها، که در آن زمان از نظر ضرورت داشت، تصمیم گرفت وضع بانک‌های خصوصی ورشکسته را بهمان صورت سابق، یعنی بدون سلب مالکیت از سهامداران بزرگ و خارجی، که اغلب آنها به خارج از کشور گریخته بودند، سرو سامان بدهد.

در آن زمان ملی کردن بانک‌های خصوصی از طرف حزب ما بدولت موقت پیشنهاد شد. اما دولت موقت چه عملی انجام داد؟ آقای محمدعلی مولوی، سفیر اقتصادی سابق شاهنشاه آریامهر، در بروکسل (مرکز بازار مشترک) و رئیس کل مستعفی بانک مرکزی ایران، بلافاصله پس از انتصاب به مقام ریاست بانک مرکزی اعلام داشت که: «ملی کردن بانکها بی‌بوجه و مطرح نیست».

دولت موقت پس از انقلاب، برای حفظ و حمایت از منافع سرمایه‌داران طاغوتی و فراری چون رضاشاه و غیره مبالغ هنگفتی حدود ۲ میلیارد تومان اعتبار به بانکهای ورشکسته اعطاء کرد و نسبت ذخیره قانونی و اجبار آنها به خرید اوراق قرضه دولتی را کاهش داد. هنگامی که بانکهای خصوصی در خردادماه ۱۳۵۸ ملی شدند، علیرغم اغماض دولت موقت نسبت به سرمایه‌داران بزرگ و وابسته، هر چند موضع نقدینگی بانکها و سروسامان یافته بود، اما خطر ورشکستگی همچنان آنها را تهدید میکرد. اعطای اعتبار مجدد به بانکهای خصوصی ورشکسته و عدم تغییر ویلاکساری مدیریت آنها موجب شد که همان ایادی فاسدی که نه تنها بانکها، بلکه اقتصاد کشور را بویاری و فاسدلال گشاده بودند، بتوانند بخش اعظم اعتبارات و سپرده‌های مردم را به طایفه الحیل بنفع سرمایه‌داران وابسته و دلان به خارج از کشور منتقل کنند. حمایت دولت موقت از نظام بانکداری خصوصی و کمک به رشد سرمایه‌داری از یکسو و فشار توده‌های مردم و شورای انقلاب در جهت ملی کردن بانکها از سوی دیگر، حاکی از تضاد عمیقی بود که بین شورای انقلاب و دولت موقت وجود داشت.

آخرالامر دولت موقت با صدور لایحه‌های دوپهلوی، که هرگونه تفسیر مغرضانه از مفاد آن امکان پذیر است، با قبول اصل احترام به مالکیت مشروع و مشروعیت، به ملی کردن بانکها تن درداد. آقای محمدعلی مولوی رئیس اسبق بانک مرکزی، که تعدادی از وابستگان خود را در رأس بانکهای ملی شده قرار داد و با مدیران قدیمی را بقاء کرد، با کارشکنی‌های عده مانع ملی شدن بانکها و بعد از صدور لایحه ملی کردن بانکها، سدره اجرای سلب مالکیت از سهامداران بزرگ بود.

اکنون نیز بسیاری از مدیران بانکها، که برخی از آنها در کنفرانس سوسپانر-های اقتصادی نظریات خود را مبتنی بر مخالفت با ملی کردن بانکها ابراز داشته‌اند، بنا بر این مختلف در راه ملی شدن واقعی بانکها کارشکنی میکنند. نکته جالب اینجاست که برخی مقامات دولتی و بانکی، بخصوص آقای مولوی اعلام داشتند که سرمایه بانکها ملی نشده است، بلکه مدیریت آنها دولتی شده است. در حال حاضر بسیاری از مدیران سابق بانکها در مقام خود بقاء شده‌اند و بجای خود را با سایر مدیران عوض کرده‌اند. در حالیکه بدلیل خدمات فراوانی که این مدیران در رژیم گذشته بنفع رژیم منفور پهلوی انجام داده‌اند نسبت به صلاحیت اخلاقی و انقلابی آنها شک و تردید فراوان وجود دارد. نتیجه اعمال ویا تعدد دولت موقت در مورد برکنار ساختن مدیران طاغوتی بانکها، قرار مقتضاه جلیل شرکاء، رئیس بانک ملی ایران و معاون اسبق هوشنگ انصاری نوکر سرسپرده امپریالیسم آمریکا در رژیم گذشته است.

علاوه بر کلیه اشکالات فوق، بدلیل آنکه دولت موقت طی قریب به ۹ ماه فعالیت خود، فاقد هرگونه برنامه مشخص اقتصادی بود، بانکهای کشور، امه از دولتی‌سازی شده، نتوانستند در راه اندازی و اعاده رونق به اقتصاد بحران زده کشور، بر اثر منشری واقع شوند. شاهد این مدعا عدم حذف اعتبارات بی‌منه شده

علاوه بر جمیع عواملی که فوقاً ذکر شد، عدم کنترل خروج ارز و سرمایه از کشور و ادغام سرمایه‌های بانکی و صنعتی، گرایش تویی در رشد نااهنجار سرمایه‌داری وابسته در کشورمان بوجود آورد: بانکهای خصوصی در ایران تا قبل از پیروزی انقلاب، بخش سید بزرگی از سهام کارخانجات و سایر شرکتها را تحت تملک خود در آورده بودند، بطوریکه در اواخر عمر رژیم فاسد پهلوی، بانکهای خصوصی حدود ۲ برابر سرمایه پرداخت شده خود را صرف خرید سهام صنایع و شرکتها ساختاری کرده بودند. این ادغام سرمایه بانکی و صنعتی مبین رشد گرایشهای انحصاری در سیستم سرمایه‌داری فاسد و وابسته رژیم گذشته است.

در اواخر دوره سلطنت نکبت بار پهلوی، صنایع کشور عموماً معادل ارزش دارایی‌های خود به سیستم بانکی بدهکار بودند و صاحبان صنایع، که اینک در بانکها نیز شریک بودند، با هزاران دوز و کلک اقدام به خروج سرمایه صنعتی خود از کشور و سپردن آنها نزد بانکهای امریکائی و سوئیسی و غیره نمودند. از سوی دیگر، بانکهای خصوصی نیز بنحوی خود از طریق اخذ وام و اعتبار از بانک مرکزی ایران و استقراض از بانکهای خارجی، سرمایه‌های خود را بصورت ارز از کشور خارج ساختند، بطوریکه در پایان سال ۱۳۵۶، نسبت بدنی به دارایی بانکهای خصوصی بطور متوسط حدود ۹۵ درصد بالغ گردید. بنابراین بانکهای خصوصی، که حدود ۳۰ الی ۳۵ درصد فعالیتها را بانکی کشور را تحت کنترل داشتند، با مشارکت بانکهای دولتی نه تنها موجب تشدید وابستگی اقتصادی کشورمان به امپریالیسم جهانی و رشد نااهنجار بخشهای خدماتی و غیرتولیدی به ضرر صنایع و کشاورزی کشورمان شدند، بلکه با فراهم کردن تسهیلات غارت ثروت خلق ایران، باعث فرار سرمایه و ارز از کشور نیز شدند.

غارت بی‌حد و حصر و فرار سرمایه‌های صنعتی و بانکی توسط انحصارات امپریالیستی، در بار پهلوی و سرمایه‌داران وابسته، موجب شد که نظام بانکی ایران، در آستانه پیروزی انقلاب، بکلی از منم بماند. انتقال سرمایه و اموال سرمایه‌داران بزرگ و درباریان و هجوم مردم برای استرداد سپرده‌های خود از بانکها و عدم بازگشت پول به بانکها، رکود و تعطیل فعالیتها اقتصادی ناشی از اعتصابات و بحران اقتصادی باعث گردید که اغلب بانکهای خصوصی ورشکسته شوند و یا در آستانه ورشکستگی قرار گیرند، بطوریکه برخی از بانکها قادر به بازپرداخت مبالغ جزئی سپرده‌های مردم نیز نبودند.

## بر خورد دولت موقت با بانکهای ورشکسته و ملی کردن آنها

پس از پیروزی انقلاب، خلق ستم‌دیده کشورمان، با توجه به اینکه موجودی برخی بانکها تقریباً بی‌عنوان جوابگوی سپرده‌های مردم نبودند، و بعبارت دیگر،

جهت امر تولیدی و خودکف کردن کشور اجتناب میکردند. برای مثال، در سال ۱۳۵۶ کل اعتبارات اعطائی سیستم بانکی به بخش کشاورزی حدود ۱۳ درصد از کل اعتبارات را تشکیل میداد، حال آنکه حدود ۶۰ الی ۷۰ درصد جمعیت فعال کشورمان در بخش کشاورزی به کار اشتغال داشت و واردات مواد غذایی از خارج به ۷۰ میلیارد دلار رسیده بود. از سوی دیگر، از یاد درآمد نفت و توزیع نامتعادل بودجه حاصل از درآمدهای دولت، که نفت قسمت اعظم آنرا تشکیل میداد، موجب شد که عدم توازن شدیدی در رشد بخشهای مختلف اقتصاد بوجود آید، بطوریکه در پایان سال ۱۳۵۶، ارزش افزوده در بخش صنعت از ۲۲ درصد در بخش کشاورزی از ۹ درصد تجاوز نکرد، ولی سهم خدمات بانکی و غیرتولیدی از ۴۰ درصد نیز فراتر رفت.

علاوه بر جمیع عواملی که فوقاً ذکر شد، عدم کنترل خروج ارز و سرمایه از کشور و ادغام سرمایه‌های بانکی و صنعتی، گرایش تویی در رشد نااهنجار سرمایه‌داری وابسته در کشورمان بوجود آورد: بانکهای خصوصی در ایران تا قبل از پیروزی انقلاب، بخش سید بزرگی از سهام کارخانجات و سایر شرکتها را تحت تملک خود در آورده بودند، بطوریکه در اواخر عمر رژیم فاسد پهلوی، بانکهای خصوصی حدود ۲ برابر سرمایه پرداخت شده خود را صرف خرید سهام صنایع و شرکتها ساختاری کرده بودند. این ادغام سرمایه بانکی و صنعتی مبین رشد گرایشهای انحصاری در سیستم سرمایه‌داری فاسد و وابسته رژیم گذشته است.

در اواخر دوره سلطنت نکبت بار پهلوی، صنایع کشور عموماً معادل ارزش دارایی‌های خود به سیستم بانکی بدهکار بودند و صاحبان صنایع، که اینک در بانکها نیز شریک بودند، با هزاران دوز و کلک اقدام به خروج سرمایه صنعتی خود از کشور و سپردن آنها نزد بانکهای امریکائی و سوئیسی و غیره نمودند. از سوی دیگر، بانکهای خصوصی نیز بنحوی خود از طریق اخذ وام و اعتبار از بانک مرکزی ایران و استقراض از بانکهای خارجی، سرمایه‌های خود را بصورت ارز از کشور خارج ساختند، بطوریکه در پایان سال ۱۳۵۶، نسبت بدنی به دارایی بانکهای خصوصی بطور متوسط حدود ۹۵ درصد بالغ گردید. بنابراین بانکهای خصوصی، که حدود ۳۰ الی ۳۵ درصد فعالیتها را بانکی کشور را تحت کنترل داشتند، با مشارکت بانکهای دولتی نه تنها موجب تشدید وابستگی اقتصادی کشورمان به امپریالیسم جهانی و رشد نااهنجار بخشهای خدماتی و غیرتولیدی به ضرر صنایع و کشاورزی کشورمان شدند، بلکه با فراهم کردن تسهیلات غارت ثروت خلق ایران، باعث فرار سرمایه و ارز از کشور نیز شدند.

غارت بی‌حد و حصر و فرار سرمایه‌های صنعتی و بانکی توسط انحصارات امپریالیستی، در بار پهلوی و سرمایه‌داران وابسته، موجب شد که نظام بانکی ایران، در آستانه پیروزی انقلاب، بکلی از منم بماند. انتقال سرمایه و اموال سرمایه‌داران بزرگ و درباریان و هجوم مردم برای استرداد سپرده‌های خود از بانکها و عدم بازگشت پول به بانکها، رکود و تعطیل فعالیتها اقتصادی ناشی از اعتصابات و بحران اقتصادی باعث گردید که اغلب بانکهای خصوصی ورشکسته شوند و یا در آستانه ورشکستگی قرار گیرند، بطوریکه برخی از بانکها قادر به بازپرداخت مبالغ جزئی سپرده‌های مردم نیز نبودند.

دلیل عمده‌ای که کشورهای از بسد رسته را وام‌دار تاقادیم به ملی کردن بانکها نمائند، قطع وابستگی اقتصادی از امپریالیسم جهانی، سلب مالکیت از سرمایه‌داران بزرگ و وابسته و سوق دادن فعالیتها و خدمات شبکه بانکی در جهت رشد اقتصادی، خودکفائی و سایر اهداف خلقی است. علاوه بر این دلایل، چون سرمایه‌های بانکی در ایران به سرمایه‌های صنعتی و خدماتی شبکه بانکی در جهت رشد اقتصادی، خودکفائی و سایر اهداف خلقی است. علاوه بر این دلایل، چون سرمایه‌های بانکی در ایران به سرمایه‌های صنعتی و خدماتی شبکه بانکی در جهت رشد اقتصادی، خودکفائی و سایر اهداف خلقی است. علاوه بر این دلایل، چون سرمایه‌های بانکی در ایران به سرمایه‌های صنعتی و خدماتی شبکه بانکی در جهت رشد اقتصادی، خودکفائی و سایر اهداف خلقی است.

## ضرورت ملی کردن بانکها

دلایل عمده‌ای که کشورهای از بسد رسته را وام‌دار تاقادیم به ملی کردن بانکها نمائند، قطع وابستگی اقتصادی از امپریالیسم جهانی، سلب مالکیت از سرمایه‌داران بزرگ و وابسته و سوق دادن فعالیتها و خدمات شبکه بانکی در جهت رشد اقتصادی، خودکفائی و سایر اهداف خلقی است. علاوه بر این دلایل، چون سرمایه‌های بانکی در ایران به سرمایه‌های صنعتی و خدماتی شبکه بانکی در جهت رشد اقتصادی، خودکفائی و سایر اهداف خلقی است.

نظام بانکی یکی از مهمترین ارکان اقتصاد هر کشور است، زیرا سیستم بانکی شبکه مهم پیچیده‌ای است که گردش کالا و پرمیان بازتولید اجتماعی را تسهیل میکند. بانکها از یکسو از طریق جذب سپرده‌ها و پس‌اندازها و از سوی دیگری تخصیص اعتبارات گوناگون به فعالیتها مختلف، میتوانند به تحقق رشد اقتصادی و برنامه‌های عمرانی کمک کنند.

در رژیم سرسپرده پهلوی بانکها و سایر مؤسسات اقتصادی، که نقش عمده و حساسی در اقتصاد دارند، تحت نفوذ و کنترل امپریالیسم بودند. سرمایه‌های مالی امپریالیستی در ایران طی ۲۵ سال سلطه رژیم کودتا، از طریق نفوذ و مشارکت در شبکه بانکی و نیز از طریق سرمایه‌گذاری در صنایع و مونتاز توانستند تقریباً غالب صنایع تولید و توزیع کالا و خدمات کشور را تحت سیطره خود درآورند. مثال بارز و دیدنی این اعمال نفوذ، از یاد بیرویه شعب و تعداد بانکها در سراسر کشور بود. طبق آخرین آمار موجود، از ۲۸ بانک خصوصی، ۱۴ بانک دارای سرمایه‌های مختلف بوده و سهم بانکهای خارجی در کل سرمایه بانکهای خصوصی ۱۲ درصد بوده است.

در رژیم سابق، بانکها بجای کمک به امور تولیدی و صادراتی، با شرکت در معاملات کلان بورس بازی، بخصوص بورس بازی پرروی زمین و ساختمان، و اعطای اعتبارات غیرتولیدی به سرمایه‌داران وابسته، نقش بسیار مخرب در تسهیل وابستگی اقتصادی کشورمان به انحصارات امپریالیستی بازی کردند. بطور مشخص میتوان ذکر کرد که یکی از دلایل تأسیس بانک عمران، بورس بازی پرروی زمین و ساختمان و افزایش ممنوعی قیمت زمین و ساختمان جهت غارت هرچه بیشتر ديار پهلوی بود. از جمله غارتها دیگر فعالیت مغرب بانکها، بخصوص بانکهای خصوصی، تشدید فقر و ورشکسته کردن صنایع کوچک، ملج و ورشکسته کردن کشاورزی، سوق دادن سرمایه‌ها و پس‌اندازهای ملی به دست فعالیتها غیرتولیدی و گسترش فاسد لیبانی بود.

دلیل عمده‌ای که کشورهای از بسد رسته را وام‌دار تاقادیم به ملی کردن بانکها نمائند، قطع وابستگی اقتصادی از امپریالیسم جهانی، سلب مالکیت از سرمایه‌داران بزرگ و وابسته و سوق دادن فعالیتها و خدمات شبکه بانکی در جهت رشد اقتصادی، خودکفائی و سایر اهداف خلقی است. علاوه بر این دلایل، چون سرمایه‌های بانکی در ایران به سرمایه‌های صنعتی و خدماتی شبکه بانکی در جهت رشد اقتصادی، خودکفائی و سایر اهداف خلقی است. علاوه بر این دلایل، چون سرمایه‌های بانکی در ایران به سرمایه‌های صنعتی و خدماتی شبکه بانکی در جهت رشد اقتصادی، خودکفائی و سایر اهداف خلقی است.

دلیل عمده‌ای که کشورهای از بسد رسته را وام‌دار تاقادیم به ملی کردن بانکها نمائند، قطع وابستگی اقتصادی از امپریالیسم جهانی، سلب مالکیت از سرمایه‌داران بزرگ و وابسته و سوق دادن فعالیتها و خدمات شبکه بانکی در جهت رشد اقتصادی، خودکفائی و سایر اهداف خلقی است. علاوه بر این دلایل، چون سرمایه‌های بانکی در ایران به سرمایه‌های صنعتی و خدماتی شبکه بانکی در جهت رشد اقتصادی، خودکفائی و سایر اهداف خلقی است.

آخر شبکه بانکی کشورمان نه تنها از طریق ایجاد شعب متعدد، بلکه بوسیله نفوذ در عرصه صنایع، بدون توجه به نیازهای اجتماعی و تقابا در پی کسب سود حداکثر، در جهت ملاح امپریالیسم و طبقه انکل صفت سرمایه داران وابسته، رشد بی‌مبارک گشته کرده بود. بدلیل پائین بودن میزان سود در صنایع غیر وابسته و کشاورزی، که بطور عمده ناشی از سلب سرمایه‌های بانکی بخش از اقتصاد ملی کشورمان بود، بانک‌های

**برای شهیدان حزب و جنبش**

«مردم» در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت شکنین و متفرخاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود بشهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری کند.

از همه میهن‌دوستان و آزادی خواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند. باسپاس - مردم

## در حاشیه نمایشگاه «رهائی از سلطه صنعتی آمریکا»

کالاهائی که در نمایشگاه «رهائی از سلطه صنعتی آمریکا» در محل نمایشگاه بین‌المللی ایران به معرض دید عموم گذارده شد، درجه وابستگی تاسف‌ناپذیر ایران را به کشورهای امپریالیستی و بویژه امپریالیسم آمریکا به وضوح نشان داد. نشان داد یک کشور زرخیز و مردمی قانع و زحمتکش چگونه سالیان دراز ثروتشان به بیضی امپریالیسم رفت و نیروی کار و توانشان طی دهها سال جیب غارتگران بین‌المللی را انباشت. نشان داد چگونه ایران به بازار مصنوعات امپریالیسم از موتور بت، ماشین‌های برقی و کفش و لباس تبدیل شد. تا امپریالیسم غارتگر بتواند تا آخرین دلار ثروت مردمی محروم را برباید و خود را از خون و عرق و اشک زحمت‌کشان ما فربه و فربه‌تر سازد.

از سلطه شوم سلسله خان پهلوی بر سینه ما نزدیک شصت سال میگذرد. در این شصت سال چه درگرونیهای شکرگف که در بسیاری کشورهای جهان رخ داده است. جمهوریهای آسیائی شوروی را بکنار که شصت سال پیش در شرایط مشابه اوضاع ایران آغاز کردند و امروز به برکت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر به مدار عالی پیشرفت علمی و صنعتی دست یافته‌اند. به کشورهای اروپای شرقی نگاه کنیم، که بسیاری از آنها تقریباً از هیچ شروع نمودند و امروز خود صادرکنندگان کالاهای صنعتی و کشاورزی هستند. به آن عده از کشورهای در حال رشد نظر افکنیم که با اتخاذ یک سیاست صحیح، اقتصاد ملی خود را به پیری زوده و روز بروز وابستگی خود را به جهان امپریالیسم کاهش داده‌اند.

اما ایران؟ کشور ما به علت رست‌نشانگی و وابستگی پهلوی (پدر و پسر) به امپریالیسم، بازار فروش مصنوعات غرب و صادرکننده مواد خام شد. به نحوی که امری: پس از شصت سال در رسته صنعت قادر به ساختن مستقلانه، بل در این هم نیست. کالاهای عرضه‌شده در نمایشگاه «رهائی از سلطه صنعتی آمریکا» نشان داد که ۹۰ درصد کالاهای نمایش عرضه نیروی زمین: در صد غرفه نیروی دریائی صنایع کشورهای امپریالیستی، همه آمریکا است. اکنون چه باید کرد تا رسته‌های این وابستگی شدید بکسلد. و کشور ما بتواند دوی بان خود بپسند.

نخستین اقدام ضرورت اتخاذ تدابیر لازم برای تقویت حساسیت سنگین، صنایع مادر است که شرط نخست آن بیانگراری صنایع ملی است. در عین حال باید برای شتابان ساختن چرخ کردن کلیه صنایع متعلق به وابستگان رژیم پیشین، از نظر تأمین مواد اولیه و تعیین مدیریت کاربان و حمایت معقول از این صنایع در صورت لزوم، رویه: شرایط حساس کنونی که امپریالیسم امریقا و متحدینش کشور را به محاصره اقتصادی تهدید میکنند، دست ساز نیست. اصلاح کشور در صدد ایجاد کمبود کالا و ایجاد نارضایتی هستند باید با تدبیر صحیح تولیدات داخلی را جانشین واردات کالاهای صنعتی از کشورهای امپریالیستی نمود و با اقدامات تشویقی و حمایتی به صنایع داخلی امکان رشد و نمو: تنها در این صورت است که میتوان رهائی از سلطه صنعتی آمریکا را به حقیقت بدل ساخت.

## توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می‌فرستند

سیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه‌های گوناگون برای «مردم» خبر می‌فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند برای اطمینان به صحت اخبار، چنانکه به اینکه فرستندگان اخبار و گزارشها سهولیت خاطر خود را در این زمینه بخوبی درک می‌کنند، امکان دیگری ندارد. ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه‌ای است مشغول در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نادقیق ممکن است موجب سوءتفاهم شود و نتایج ناگواری به بار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند.

## نمایشگاه بیاد دکتر تقی ارانی رهبر زحمتکشان ایران

۱۴ بهمن، سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، رهبر زحمتکشان ایران است. بدین مناسبت قرار است نمایشگاهی بیاد این دانشمند انقلابی شهید ترتیب داده شود. از همه کسانی که عکس یا اطلاعاتی در باره زندگی خصوصی و اجتماعی در باره مبارزه و دستگیری و زندان و شهادت ارانی دارند، خواهشمند است که عکسها و اطلاعات خود را در اختیار دبیرخانه انقلابی شهید ترتیب داده شود. قرار دهند. موجب سپاس فراوان خواهد بود.

## نام‌نویسی در حزب توده ایران

کارگرنوز زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه فرمایند. وقت انعقاد انتخابات است.



# گرایشهای مثبتونو

## مابه این گرایشهای مثبت ونو، تهنیت می گوئیم

### در «کار»

#### هواداران نظریات مائوئیستی یا گروه اشرف دهقانی نه فقط با خرابکاریها و نظریات انحرافی خویش به انقلاب زیان میزنند، بلکه همچنین چریکهای فدائی را نیز به انحرافات خویش می آلاینند.

نشریه «کار»، شماره ۳۷، مورخ ۲۱ آذرماه، مطلبی تحت عنوان «اکونومیسم و آثارشیم در حرف با هم دشمن اند، ولی در عمل دست همدیگر را می فشارند» به چاپ رسیده است. که بیانگر گرایشهای مثبت ونوینی در تفکر سازمان چریکهای فدائی خلق است. مثبت است، زیرا که نویسنده در این مقاله کوشیده است به عمده ترین جنبه انقلاب ما، یعنی جنبه ضدامپریالیستی آن تاکید بسیار جدی بنهد و هر چند بطور ناپیگیر، ولی به میزان اهمیت، به نقش و جای ویژه این وجه از انقلاب ما در مجموعه وجود آن، نزدیک شود. نوین است، زیرا چنین برداشتی، با صراحتی که در طرح سخنان پیشم میخورد، در نظریات چریکهای فدائی تازگی دارد و مقاله بطور نسبی، فارغ از تناقضات موجود در نظریات چریکهای فدائی است. ما به این گرایشهای مثبت ونو، تهنیت میگوئیم.

اما واقعیات تلخ و ناگوار پس از اینگونه حرکات «گام بگام» در مقابله با گرایشهای انحرافی، پیش گرفته است. در طیف هواداران چریکهای فدائی، در واقع هم اکنون میتوان، معجونی از نیروهای متضاد، نظریات متناقض و گرایشهای انحرافی در کنار نظریات مثبت، مشاهده کرد. روشی که تاکنون در مقابل این طیف ناهمگون در پیش گرفته شده است، یعنی حفظ و ارضاء کلیه این نیروها، همانگونه که اکنون نیز روشن شده است، برای همیشه ممکن نیست.

داعی این روش هر چند ممکن است برای مدتی سود حفظ «کسی» هواداران این سازمان، عمل کند، ولی هر روز پیش از روز قبل به فدیبه کردن و تهی نمودن کیفیت انقلاب، منجر میشود. عناصر صدادق که از خط مشی ناپیگیر ضدامپریالیستی - که خودنشان از این نظریات متناقض است - به تنگ آمده اند، راه خود را جدا میکنند و بجای آنها عناصر لیبیرال، همانائیکه از مارکسیسم نفرت دارند، ولی «مارکسیستهای مستقل» را میستایند، میباشند. کسانیکه به چریکهای فدائی خلق و حرکات آن، نه برای وارد کردن وجهه به استیلا امپریالیستی و یاری دهنده چریکهای ضدامپریالیستی جامعه، بلکه به عنوان دستاویزی برای بر آشفته نمودن اوضاع، دامن زدن به تحریکات و تشییع رهبری ضد امپریالیستی و خلق انقلاب، امید بسته اند.

این خطری جدی و بسیار جدیست که باید هر چه زودتر درک شود. در کردستان هم اکنون کسانیکه خود را هوادار چریکهای فدائی می نامند، به مذاکرات صلح در کردستان، ندرجهت تحکیم وحدت ضدامپریالیستی خلقهای ایران و تامین حقوق حقه خلق کرده، بلکه از زاویه منافع گروهی خود برخوردار می کنند. امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی را در پشت سر خود، در انتظار فرصت برای برپا کردن جنک برادر کشی دیگر نمی بینند و با برخورد غیرمتمدانه، غیردلسوزانه و بدبینانه به مذاکرات صلح، بر دشواریهای موجود بر سر راه پیشرفت مذاکرات می افزایند. امری که بی تردید بسود انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی کشور ما نیست.

## یک جنبه کوچک در رزم راستین

و اداران نظریات مائوئیستی یا «گروه اشرف دهقانی»، «هواداران خط ۴» و یا «راه فدائی»، در میان چریکهای فدائی بخش کوچکی را تشکیل نمیدهند. اینان نه فقط با خرابکاریها و توطئه گرایی و نظریات انحرافی خویش به انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی کشور مازیان میزنند، بلکه همچنین چریکهای فدائی را نیز به انحرافات خویش می آلاینند. آنها نه فقط مبارزات کارگران بیکار را به انحراف میکشاند، بلکه در تمام عرصه های دیگر مبارزه نیز تلاش مغرب خویش را برای لطمه زدن به جنبه رزم ضدامپریالیستی خلق ما ادامه میدهند. عواقب اعمال آنها بیشک تا زمانیکه چریکهای فدائی از موضع ارضاء کننده همه قلب های متضاد، دست نشسته و قاطعانه چشم در چشم کاستیها و اشتباهات خویش ندوخته اند، دامنگیر خود آنان نیز خواهد شد.

«مقاله کار»، ۳۷، گشودن جنبه کوچکی در این رزم راستین است

که رهبری انقلاب و توده های مردم، امپریالیسم آمریکا را هدف قرار دادند. مبارزه در جبهه ضد سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ نیز به پیش رفته و هر گاه که جبهه اصلی نبرد فراموش شده، تحریکات و توطئه ها بسالار گرفته و نام امپریالیسم آمریکا نیز از صحنه خارج شده است در ماه اخیر که مبارزه ضد امپریالیستی اوج تازه بیسابقه ای یافته و هر روز ضربات محکم تری بر پیکر سطره امپریالیستی در کشور ما وارد میشود. در پرتو این مبارزه، جبهه نبرد علیه زمینداران بزرگ و بسود حل ساله دهقانی، علیه بورژوازی لیبرال و بسود دمکراسی انقلابی نیز اوج تازه ای یافته است.

این حقیقتی اثبات شده است که تحریکات ضد انقلابی در گوشه و کنار کشور، با اوقات تحت پوشش «انقلابی» صورت می پذیرد، ولی از منشا می جز امپریالیسم آمریکا و کارگران آن است. رزمی خیزد. اسناد افشاشده در لانه جاسوسی آمریکا در تهران به صحت این حکم گواهی میدهد. به همین دلیل، چریکهای فدائی، اگر واقعا به اظهارات مندرج در «کار» ۳۷ معتقدند، نمی باید تنها به مساله بسیار محدود «اشکال مبارزه کارگران بیکار»، بسنده کنند و در واقع با این برخورد، از پذیرش اصول و مبادی مطروحه در مقاله فوق بگریزند.

چریکهای فدائی در دوران پس از انقلاب، روشی متضاد با اصول فوق در پیش گرفتند. آنها در موارد بسیاری «ضرورت پیوند خاص» مبارزات خود را با مبارزه ضد امپریالیستی درک نکردند و از «مبارزه سیاسی ضد امپریالیستی» بدور افتادند. آنها بواسطه عدم تشخیص دامها و تحریکات ضد انقلاب، «بدینی» توده های وسیع شرکت کننده در جنبش ضد امپریالیستی و خلقی را نسبت به خود «دامن زدند». «ماهیت دوگانه و نوسانی خرده بورژوازی» را به فراموشی سپردند، با اعمال خود «توان جنبش ضد امپریالیستی را پراکندند» و ناگاهانه «به نمایندگان گوناگون بورژوازی سوده رساندند».

به ذکر در کردستان و ترکمن صحرا به ادعای گروهکهای ضد انقلابی و عمل امپریالیسم در مبارزه برای «حقوق حقوق خلقها» و راهی که آنها پیشنهاد میکنند، باور کردند، نظرمندی توده های وسیع شرکت کننده در جنبش ضد امپریالیستی را نسبت به خود باعث شدند و در دام تحریکات ضد انقلاب گرفتار شدند. آنها پس از انقلاب، بدون توجه باینکه هنوز مبارزه برای استقرار قدرت سیاسی نیروهای ضد امپریالیستی پایان نیافته و هنوز پاسخ به پرسش «که برک غلبه می کند» روشن نشده است، بجای یاری «فعال و نامحدود» از جناح ضد امپریالیست و دمکرات شریک در قدرت، همرا در یک جوال ریختند، از «هیئت حاکمه» متجعب، و نیز از «شکست انقلاب» سخن گفتند و با تحریم فرارنده جمهوری اسلامی و رفتن قانون اساسی، بجای کوشش برای بالا بردن آگاهی توده ها، بدینی آنان را نسبت به خود پراکنجند.

مقاله مندرج در «کار» شماره ۳۷، پرتوی امیدبخش در میان تیرگی تناقضات و اشتباهات کارهای پیشی است، ولی «کار» با پرداختن به زمینه کوچک و ناچیزی از صحنه مبارزه طوفانی طبقات گوناگون، ارج تحلیلی های خود را کاهش میدهد و راه را بر برداشتهای متعارف و نادرست در زمینه های دیگر، بازمی گذارد.

به امری حساس و فوری بدل شده است. پس چرا این «پیوند حساس و فوری» و این «حمایت» را در چارچوب بسیار محدود مبارزه کارگران بیکار محبوس می کنیم؟ نویسنده مقاله که بدستی خصایص اساسی قشر کارگران بیکار را بر شمرده و آنرا قشری که درک ضعیفی از مسائل سیاسی و تشکل، داشته و «تحت فشار شدید زندگی»، به «هر اقدامی که بنا به درک خود درست تشخیص میدهد، دست میزند» توصیف کرده، و بدستی نتیجه گرفته است که «بهین دلیل همه حرکات این قشر مورد سوء استفاده مائوئیستها قرار گرفته، به انحراف کشیده شده و بسود نمایندگان گوناگون بورژوازی، تمام میشود. متأسفانه به وظایف طبقه کارگر اصولا نمی بردند و از کنار آن میگذرد».

اما اگر ما، برخلاف نویسنده، نخواهیم این اندیشه صحیح، ولی گسته را رها کنیم و بکوشیم تا فرجام منطقی این استدلال را در مورد کلیه مسائل جنبش ضد امپریالیستی و خلقی کشورمان بدست آوریم، به نتایجی متضاد با نحوه عمل و تفکر چریکهای فدائی خلق، دست می یابیم.

در مقاله گفته شده است که اینگونه اقدامات (مبارزات انحرافی کارگران بیکار)، «بدینی توده خرده بورژوازی و توده کارگران را دامن میزند». این حقیقت سترگی است، زیرا در واقع، توده کارگران برخلاف قشر کارگران بیکار که «درک ضعیفی از مسائل سیاسی و تشکل» دارد و با تحریکات مائوئیستها «به هر سوئی» کشانده میشود، ضرورت «حساس و فوری»، «پیوند مبارزه» خویش را با «مبارزه سیاسی ضد امپریالیستی جاری» دریافته، به ضرورت یاری فعال و نامحدود، از مبارزات ضد امپریالیستی و خلقی «توده های خرده بورژوازی و جناح سیاسی آن در حاکمیت» آگاه است و با تمام قوای خود و با تحمل سختیها و دشواریهای بسیار، در تمام مراحل مبارزه با امپریالیسم و دست نشانده گانش، در صف اول نبرد قرار گرفته، بیش از همه در این مبارزه سترک شهید داده و علیرغم تغییرات ملموس بسیار ناچیزی که از پس انقلاب در زندگی پدید آمده، پشتیبان وفادار خط امام خمینی و مبارزات ضد امپریالیستی و خلقی رهبری انقلاب باقی مانده است. طبقه کارگر، جبهه اصلی نبرد را بدستی می شناسد و تمیق انقلاب و تقویت جبهه ضد امپریالیستی و خلقی آن را در پرتو در این جبهه میداند.

این روش پسندیده است که یک نیروی انقلابی به قشر نا آگاه کارگران بیکار، توصیه کند که از دام قریب ضد انقلاب و تحریکات او دوری جوید و به پشتیبانی از انقلاب بپردازد. ولی در قبال سکوت این نیروی انقلابی در مقابل مسأله ای برآیند «حساس» تر، چون موضع طبقه کارگر در انقلاب، چه توجیهی وجود دارد؟ آیا یک نیروی انقلابی، که خود را پیشاهنگ طبقه کارگر نیز می نامد، موظف نیست که توده های کارگر را از همین تحریکات، کارشکنیها و خرابکاریهای ضد انقلاب در امر اتحاد و پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی و خلقی رهبری انقلاب، بر حذر دارد، با شجاعت و قاطعیت به او هشدار دهد، جبهه اصلی نبرد را به او بنمایاند و وی را به فداکاری در این راه سترک رهنمون شود؟

بیشاتکه، باید به طبقه توضیح دهد که در شرایطی که جبهه امپریالیسم جهانی، برای خفه کردن انقلاب ایران، به محاصره اقتصادی دست میزند تهدید نظامی میکند و در شرایطی که مبارزه، خلقی تر میشود، طبقه موظف است که پیوند صحیحی ما بین مبارزات اقتصادی خویش و «مبارزات عمومی ضد امپریالیستی» ایجاد کند، تحریکات ضد انقلاب و سرمایه داران بزرگ را در داخل دام تولید، عقیم گذارد، از اعتصاب، تحمیل و راه پیمائی، حتی المقدور بپرهیزد و محاری و اشکال دیگری برای طرح خواسته های سخن خویش برگزیند.

اقتت آنستکه، همانگونه که حوادث اخیر بخوبی نشان داده، تمیق خصلت خلقی و دمکراتیک انقلاب، جز از کانال تمیق خصلت ضد امپریالیستی آن گذر نمی کند. در ۱۰ ماهی که از انقلاب بزرگ ایران میگذرد، هر گاه

یالیستی پراکنده شده و از این امر جز نمایندگان گوناگون بورژوازی سود نمی بردند. (همه جا تکیه آزماست)

حسجانی است درست و منطقی. ولی اینک نویسنده تا به پایان در سیر منطقی نظریات خویش میباید رسید و طرفیت تعمیم پذیری این استدلال را در نظر بگیرد و آنرا تا به پایان بسط میدهد. راستی اگر نقطه قوت مقاله فوق را تا کید بر روی جنبه ضد امپریالیستی انقلاب و درک نسبی جای واقعی آن بدانیم، نقطه ضعف آنرا نیز باید در همین امر، یعنی عدم درک کامل ویژگی اساسی و عدم برخورد فعال و شجاعانه با آن جستجو کرد. نویسنده مقاله از مبادی و اصول صحیحی که مطرح میسازد، به استیجابات بسیار محدودی دست می یابد. او خواننده «کار» را با طرح نظریات عمومی به عرصه رزم انقلابی میکشاند و عامترین و اساسی ترین مسائل انقلاب را در پیش روی او قرار میدهد، ولی سرانجام وی را در چارچوب محدود کارگران بیکار و مسائل خاص آنان محبوس می کند. او راه کار چشمه میکشاند و تشنه باز می گرداند. بهین دلیل است که خواننده ای که در عمق سخنان و استدلال «کار» اندیشیده است، در پایان بی اختیار خواهد پرسید، چرا قشر کارگران بیکار، سؤالی که در مقابلش پاسخ داده نشود.

نویسنده، مساله مبارزات کارگران بیکار را بدستی در پرتو مبارزات عمومی انقلابی بررسی کرده است. او تصنع و راه پیمائی اشکال مبارزه این قشر را که «زیر فشار شدید زندگی» بسر می برد و «درک ضعیفی از مسائل سیاسی و ضرورت تشکل دارد»، توسط مائوئیستها و گروه اشرف دهقانی «منحرف شده» میدانند، زیرا این اشکال «صرف نظر از جو عمومی مبارزات سیاسی جامعه» و فارغ از «جو عمومی ضد امپریالیستی سراسر کشور» برگزیده شده اند. او معتقد است که مبارزه کارگران بیکار باید در پیوند با «مبارزه ضد امپریالیستی توده» انتخاب شود و این اشکال (تصنع و راه پیمائی) «کارگران بیکار را... از مبارزه سیاسی ضد امپریالیستی جاری دور» میکند و مهمتر از آن در زمانی که توده های خرده بورژوازی و جناح سیاسی آن در حاکمیت، در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته به لیبرالها درگیر است، و بطور طبیعی انتظار یاری فعال و نامحدود پرتو تاریا را در این نبرد دارد، «از این مبارزه ضد امپریالیستی حمایت کنند» و اگر اعتقاد داریم که «جو عمومی ضد امپریالیستی سراسر کشور» فرا گرفته، و اگر ایمان داریم که «پیوند» با «مبارزه ضد امپریالیستی توده

نا بر این، اکنون این پرسش بجا مطرح میشود که، اگر «کارگران» نمایندگان سیاسی آنها، موظفند در «توده های خرده بورژوازی و جناح سیاسی آن» در حاکمیت، در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته به لیبرالها درگیر است و بطور طبیعی انتظار یاری فعال و نامحدود پرتو تاریا را در این نبرد دارد، و وظیفه کارگران و نمایندگان سیاسی آنهاست که از این مبارزه ضد امپریالیستی حمایت کنند... (در شرایط صورت) توان جنبش ضد امپری

ناله درباره چگونگی پیوند مبارزات کارگران بیکار با مبارزه ضد امپریالیستی نوشته شده است و نویسنده میکوشد اثبات کند، راهی که مائوئیستها (در مقاله «بیکار» و «خط ۳») و نیز گروه اشرف دهقانی در پیش پای مبارزات کارگران بیکار می نهند، راهی انحرافی است که به مبارزه ضد امپریالیستی زیان میزند. او ابتدا اشکال عمده «مبارزه» کارگران بیکار را بر می شمرد و می نویسد:

«زحمت کشان بیکار» برای کاستن از فشار زندگی و به دنبال یافتن کار به هر سوئی میروند و به هر اقدامی که بنا به درک خود درست تشخیص میدهند، دست میزنند. ولی همانطور که بعد از قیام دیده ایم، اشکال عمده مبارزه آنان تحصن و راه پیمائی بوده.

نویسنده مقاله سپس خصوصیات کارگران بیکار را بر می شمرد و چگونگی بهره برداری مائوئیستها و «گروه اشرف دهقانی» را از این ویژگیها توضیح میدهد:

«اگر توجه کنیم که کارگران بیکار زیادی وجود دارند که مجبورند بناچار زندگی خویش را توأما در کار مزدوری کردن و دستفروشی و کار روی زمین بگذرانند، اگر به این خصوصیات فشار شدید زندگی و درک ضعیف آنرا از مسائل سیاسی و ضرورت تشکل را بیفزاییم، متوجه خواهیم شد چگونه همه شرایط مناسب فراهم میشود تا حرکات کارگران بیکار تحت تاثیر انحرافات سیاسی سایدنولوزیک گروههای نظیر بیکار و امثالهم و گروه اشرف دهقانی، به انحراف کشیده شود».

اما چرا نویسنده مقاله «کار»، «تحصن و راه پیمائی» کارگران بیکار را، که مائوئیستها و «گروه اشرف دهقانی» آنرا بسیار دلسند می یابند، نادرست و انحرافی میدانند؟ او خود می افزاید: «چپانیدیشان طرفدار اشرف... و بیکار... حاضر بودند صرف نظر از آنکه جو عمومی مبارزات سیاسی جامعه در چه جهتی سیر کند، کارگران را به تحصن بی موقع و طولانی مدت میکشاند» (ص ۳)

و «هر دو این گروه موفق شدند که کارگران بیکار را در آن مقطع از مسازره سیاسی ضد امپریالیستی جاری دور کرده و بیکانگی کارگران بیکار را از سیاست پر دوام ترسانند. «این زیان تنها باین خاطر نیست که کارگران از صحنه مبارزه سیاسی دور نگذاشته میشوند، همچنین به خاطر این نیز می باشد که بدینی توده خرده بورژوازی و توده کارگران دامن زده و در نتیجه وحدت این متحد طبقه کارگر در مبارزه ضد امپریالیستی را مشکل تر میسازد.

خرده بورژوازی بسایر ماهیت دوگانه و نوسانی خویش، همه شرایط لازم را داد که امسیر اصلی مبارزه منحرف شود. زمانیکه توده های خرده بورژوازی و جناح سیاسی آن در حاکمیت، در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته به لیبرالها درگیر است و بطور طبیعی انتظار یاری فعال و نامحدود پرتو تاریا را در این نبرد دارد، وظیفه کارگران و نمایندگان سیاسی آنهاست که از این مبارزه ضد امپریالیستی حمایت کنند... (در شرایط صورت) توان جنبش ضد امپری

# لست ساوا که هاد امنتش کنند!





# فعالیت ساوا کی ها برای بدنام کردن کمونیستها

عملیات خرابکارانه عوامل ساواک و امریکا زیر نام «کمونیسم» تازگی ندارد. شاید در هفته ها و ماههای اول بعد از پیروزی انقلاب، به علت عدم آشنائی مردم، حنا این ضدانقلابیون میگردید و عده ای از مردم ساده دل با نام آنها می افتادند. ولی حالا دیگر با افشاگریهایی که دانشجویان پیرو خط امام کرده اند و با پرونده هایی که در دوزخ سفارت امریکا کشف شده، کمتر ایرانی انقلابی است که در این دام پوسیده بیفتد. بیفایده نیس که نمونه ای از این تلاش مذبحخانه و طرز برخورد مردم با آنرا در رابطه با جریان رفتارنامه قانون اساسی دوزیر بخوانید. رفیق توده ای ما که خود ناظر صحنه بوده، مینویسد:

مساعت حدود ۵ ساعت بعد از ظهر روز اول اخذ رأی، جلوسینما ساترال، واقع در میدان انقلاب، جوانی بارش گندمی و عینکی آفتابی جزوهای می فروخت درود قانون اساسی و مرتب فریاد میزد: «رساله ای درود قانون اساسی».

موقمی نزدیکش شدم که مرد سنی، پس از آنکه خطابش کرد: «برادر»، پرسید: «این جزوه مال کیست و ماجرایش چیست؟»

مرد ریشو خونسردانه پاسخ داد: «قیمتش ۱۵ ریال است. بخر و بخوان تا ببینی مال کیست».

مرد سن سئوالش را بار دیگر اینطور مطرح کرد: «مقصود اینست که مال کدام مرجع و آقایی است و چرا تاکنون مطبوعات و رادیو تلویزیون درباره آن چیزی نگفته اند و نوشته اند؟»

جوان ریشو، که حالا غیر از من چند رهگذر دیگر هم دورانش کرده بودند، اینبار خودش راز به آن راه و برخلاف دفعه قبل سداش را پائین آورد و به آرامی گفت: «آقا من درست نمیدانم. من فقط فروشنده ام. بمن داده اند که بفروشم. بد و خویش به من مربوط نیست».

بر تعداد جمعیت باز هم اضافه شده بود و جوان ریشو کاملا دست و پا میزد. «باید بگوئی مال کیست؟»

جوان ریشو شانه هایش را بالا انداخت و خواست از میان جمعیت راهی برای عبور بیابد، اما مجالش ندادم. یکی از جزوه ها را از دستش بیرون کشیدم و صفحه آخر آنرا باز کردم تا ببینم امضاء چه مرجعی را دارد. اما با کمال تعجب دیدم هیچ مرجع تقلیدی آنرا امضاء نکرده است. امضاء جزوه مربوط بود به «اتحادیه کمونیستها».

مرد سن که هنوز در جمع بود، معطل نکرد و بیقه جوان ریشو را گرفت. جوان دیگری که در جمع بود، جزوه را از چنگ جوان ریشو درآورد و ریخت روی زمین. مردم میخواستند شعار ضد - کمونیستی بدهند و حتی چند نفری هم آنرا بر زمین آوردند، اما همان مرد سن هم را خطاب قرار داد و گفت:

«اگر چنین شعاری بدهید، اوبه مقصودش رسیده است. او دروغ میگوید، کمونیست نیست. حتما ساواکی است و میخواهد نفیست را منحرف کند و شعار مرگ بر ساواکی، مرگ بر امریکا بطرفش هجوم آورند. اگر فرار را برقرار ترجیح نداده بود شاید شرب شست مردم را چسبیده بود».

نهران خیلی دور است. آنقدر که گاه باغی یک انسان مسافه میگردد. بواقع هم در بندر چاسک پیرمردانی هستند که خود را به گورستان شهر نزدیکتر از تهران احساس میکنند. برای بسیاری از آنها بندر عباس مرکز ایران له، بلکه مرکز جهان است. فقر، محرومیت و ستم در هر وجه خلك احساس میشود. بدنبال نمونه و مثال نگردید. همه زندگی در بندر چاسک نمونه است. اما اگر میخواهید پدایید، حرفی نیست.

پتوایید:

برنج، تشریفاتی ترین غذایی است که ممکن است سالی یکبار به خانه های زحمتکش راه یابد. آب آشامیدنی اکسیر است که باید از هر قطره اش محافظت کرد. داشتن راه ارتباطی مطمئن، آرزوی است که مردان و زنان بسیاری آرزو خود به گور بردارند. پزشک ایرانی، اگر در بندر چاسک بند شود و حیانا بر بالین بیمار برود، بزرگترین شخصیت تاریخ است و دارو، اگر پیدا شود، گرانبهاترین هدیه آفرینش برای بسیاری است که در انتظار رسیدن دارویش از بندر عباس و یا تهران هفته شماری میکنند. چاسک یکی از فقیرترین نقاط ایران است. مانند دهها روستاها شرب کوچک و بزرگ را ایران، رژیم شاه مخلوع مردم آنرا از همه مواهب زندگی محروم نگه داشته و هر بانک اعتراضی را با گلوله پاسخ داده بود. در عوض پادگانها و مراکز نظامی یکی بعد از دیگری، با فاصله های نه چندان زیاد، با اسکاکنات رفاهی برای افرادش از زمین روئیده اند.

این وضع نکتتبار بعد از سقوط رژیم غارتگر و وطن فروش پهلوی نیز تاسفانه ادامه یافته است. دولت موقت توجیبی باین منطقه نکرده است. حتی برای مردم این بندر توضیح هم نداده اند که نوسازی کشور یعنی چه و چه برنامه ای برای همه ایران و از جمله چاسک وجود دارد. از همین فضای سموم، که تابآوری در آن رسوخ پیدا کرده است، ضد انقلاب حداکثر استفاده خود را این روزها میکند و بیدر فائق و ضدیت با انقلاب و رهبری آنرا میاشند تا در زمان لازم آنرا درو کنند. از جمله این تلاشهاست نوشتن شمار علیه رهبری انقلاب روی دیوارهای شهر! در حالیکه آب و نان مسئله روز مردم این بندر است، دستپائی آگاه یا نا آگاه، به پهنای های مختلف، از جمله نداشتن تلفن و... مردم را به تصنع

## ضد انقلاب برای بندر چاسک تدارک می بیند

چند سال قبل لوله های قطور جهت آبرسانی به بندر چاسک و چند روستای اطراف آن در ۱۵ کیلومتری بندر تخلیه شد و قرار شد با استفاده از چاه عمیق آب به شهر برسانند. ولی لوله ها در حال پوسیدن است و از آب لوله کشی خیری نیست. همین محرومیت از آب و در عوض وجود آب شیرین دنیا یگانه نیروی هوایی، نبال خمسی را در جل مردم محروم بندر بارور کرده است، که امید است ضد - انقلاب از آن سوء استفاده نکند؛

شهر و دهکده های اطراف آن از برق محرومند. فقط یک کابل از داخل پایگاه هوایی به قسمتی از شهر کشیده شده، که قدرت آن بسیار کم است. شهر ارتباط تلفنی ندارد و دانستی است که

تسویق میکنند و در همین گیر و دار ضد انقلاب بیوقفه علیه انقلاب سمپاشی میکند و تخم یاس در دل مردم میکارد.

از آب گفتم، که حیاتی ترین مایحتاج روز مردم این بندر است. بگذاردید گوشه ای از آنرا برایتان ترسیم کنیم. ما در رابطه با خواست افراطی دراه یافتن تلفن به خانه های شهر، که چپ نماها به آن دامن میزنند، و آنرا وسیله تضعیف انقلاب قزاق میدهند، پدایید که این خواست چقدر دراز و اقیمت است.

آب شیرین در منطقه پیدا نمیشود، مگر در پایگاه نیروی هوایی، که فقط در ارسال این پایگاه حق استفاده از آنرا دارند. فقط دویاسه باغ بزرگ، که حدود ۲۰ تا ۲۵ کیلومتر از شهر فاصله دارند - علاوه بر پایگاه نیروی هوایی - آب شیرین دارند، که آنهم شعلق به خوانین و ثووالهای منطقه است و کسی جرأت نزدیک شدن به آنرا ندارد.

تنگر فحدود یک هزار نفر از ساکنین شهر، که پایست ارسال شده، حدود ۷ روز در راه بوده است، البته از تهران! یک خط ارتباط تلفنی میکروویو نیروی هوایی در بعضی ساعات روز پایندر عباس برقرار میشود، که آنهم اغلب روزها خراب است. درباره زندگی مردم بندرست باز هم پدایید:

راه چاسک به میناب - شوشه درجه ۳ - در طول سال برای طغیان رودخانه ها چندبار بسته میشود. در تمام منطقه، که حدود ۳۷ هزار نفر جمعیت دارد (۱۲ هزار نفر در بندر چاسک و ۲۵ هزار نفر در حومه. این آمار دقیق نیست، زیرا ماموران سرشماری بدلیل پدای هوا وعدم تحمل آن قادر به سرشماری نشدند!) در این منطقه فقط دو پزشک کار میکنند. غذای اصلی مردم ماهی است، که سیادان مجبورند آنرا در اختیار شیلات بگذارند و خود را بازار سیاه خرید کنند، که قیمت آن برای همه قابل تحمل نیست.

برنج گرم زده پاکستانی که در منطقه مصرف میشود، از دویوب وارد میشود و کیلویی ۱۰ تومان به آنهایی که در رستوران به دهانشان میرسند و تعدادشان هم زیاد نیست، فروخته میشود.

این محرومیت یاور نگرانی و عدم توجه کافی از طرف دولت بعد از پیروزی انقلاب از سوسی و از سوسی دیگر مذهب مردم، که ستم است، زمینه را برای ضد انقلاب فراهم کرده است، که با توجه به نزدیکی آن به دریا و خطری که از طریق آبهای جنوب ایران و انقلاب آنرا تهدید میکند، واقعا وعقیقه قبل از آنکه به فاجعه ای جدید در ایران منجر شود، باید جدی گرفته شود.

گرجین فضای سمومی، که حتی به جرات میتوان گفت بیش از ۹۰ درصد مردم حتی به شکل ظاهری تلفن راهم تاکنون ندیده اند و بیا به آن فکر نکرده اند و همه تلاششان اینست که نان پخته شده از آرد هسته خرما را تبدیل به نان گندم کنند، ضد انقلاب تلاش می کند از خواستهای به حق مردم، در جهت تضعیف رهبری انقلاب سوء استفاده کند، و از سوی دیگر عناصر تندرو و چپ نما برای دامن زدن به ناآرامیهای مردم و ناامید کردن آنها از دولت مرکزی و رهبری انقلاب، خواستهای نامطلوبی میکنند که گاه باعث خنده پیرمردان سالخورده و رنج کشیده های میشود که دلشان میخواهد در آخرین روزهای زندگیشان به چشم ببینند که انقلاب نان به سفره شان می آورد و عدالت را در شهرشان برقرار میکند.

## رابطه نهضت آزادی با سفارت آمریکا فاش شد!

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که در لانه جاسوسی امریکا مستقر هستند، دیشب در یک افشاکسری بسیار مهم که از شبکه سراسری صدا و سیما و جمهوری اسلامی ایران پخش شد، طی انتشار اسناد مهمی، از فعالیت خائنه نهضت آزادی، برای حفظ منافع غارتگرانه امپریالیسم امریکا در ایران برده برداشتن.

انتشار این اسناد نشان میدهد که در دوران انقلاب، نهضت آزادی برخلاف خواست و مبارزات توده های انقلابی مردم و رهبری انقلاب، برای حفظ منافع سلطنت و قانون اساسی شاهنشاهی تلاش میکرد.

در اسناد منتشر شده، نهضت آزادی از طریق امیرانتظام، اطلاعات مورد نیاز امپریالیسم امریکا را در اختیار جاسوسان «سیا» قرار میداد و برای تأمین منافع امریکا دست به توطئه میزد.

در یکی از اسناد، امیرانتظام بلافاصله پس از گزین شاه مخلوع حاسرترین و بهترین اطلاعات مورد نیاز «سیا» را در اختیار جاسوخانه امریکا قرار میداد.

در یکی دیگر از اسناد فاش می شود که نهضت آزادی کوشش میکرد تا بختیار را برای یک معامله کامل سیاسی، به پاریس بفرستد.

دانشجویان در پایان اعلام کردند که در آینده به افشاکسری های دیگری نیز در مورد نهضت آزادی دست خواهند زد.

بقیه از صفحه ۱

## مباحثه مطبوعاتی وزیر نفت

علی اکبر معین فر، وزیر نفت دیروز در یک مباحثه مطبوعاتی اعلام کرد: «ایران از کشورهای عضو ایک در خواست تحریم فروش نفت به آفریقای جنوبی را کرده است».

خبرنگار «مردم» در این مباحثه از وزیر نفت درباره سیاست نفتی آینده کشور سؤال کرد و معین فر در جواب گفت: «در آینده تا سالیان پایتگاه های صادراتی، اقدام به تولید محصولات مختلف نفتی خواهیم کرد این عمل در آینده حتما باید انجام شود. به این اقدامات میتوان کارخانه های کشور را گسترش داد و گوشه ای از منطل بیکاری را حل نمود. این برنامه ها طبعاً دراز مدت است».

او در پاسخ سؤال دیگر خبرنگار «مردم» درباره تولید نفتی گفت: «تولید نفت ایران بر پایه ۳/۵ میلیون بشکه نفت است و ما قصد تولید بیشتر را نداریم و نمیخواهیم بهر حال به تولید نفت ادامه بدهیم. تولید نفت در آینده بر مبنای نیاز ما خواهد بود».

وزیر نفت در این مباحثه اطلاعاتی درباره کنفرانس تاراکس و مسائل دیگر مربوط به نفت در اختیار خوانندگان گذاشت.

## ارگان های انقلاب و دولت باید جلو اعمال ضد انقلابی کارفرمایان را بگیرند

اما آیا کارفرمایان همه آن عمل میکنند؟ آیا طرز برخورد و رفتار آنها با کارگران از سوی ارگانهای انقلاب و دولت زیر نظر گرفته میشود تا از تحریک کارگران بمنظور واداشتن آنها به اعتصاب جلوگیری بعمل آید؟

اخبار و گزارشهایی که به ما میرسد اغلب حکایت از همین نوع کار شکننده در کارخانه ها دارد. منظور تلاش و نیرنگ کارفرماهایی است که با ایجاد ناراضی در کارگاهها و کارخانه ها سعی در تعطیل کارخانه و در صورت امکان تحمیل اعتصاب به کارگران دارند

فراموش کردن این رهنمود در این لحظات که امریالیسم امریکا بملک دیگر کشور های امری - یا هستی سعی در محاصره اقتصادی و به زانو درآوردن انقلاب ایران دارد، هرگز بخشیدنی نیست. این کارگران آگاه میدانند و به آن عمل میکنند.

تأمین در تعطیل کارخانه، کارگران قلمداد شوند، بعنوان نمونه، یکی از آگاهان مسائل ددونی کارخانه برادران لوانی واقع در جاده آملی، که چندین پیش نیز گزاشی از این کارخانه برای «مردم» فرستاده بود، وی ویر آن گزارش کرد که در «مردم» چاپ شد، بر ایمان مینویسد، «رفتار کارفرمای فلز کاری لوانی بعد از آنجا که مطالبی بر امون وضع این کارخانه در روزنامه «مردم» با کارگران بدتر شده است کارفرما بی وقفه در تلاش است تا سد نویسنده آن گزارش را پدای کند. در جریان همین تلاش تا حالا

یکی از کارگران جوان کارخانه مومن به انقلاب این کارخانه گزارش داد که کارفرما به کارگر لباسی او و سر انجام اخراج او کشید. بی شک این اولین برخورد در کارخانه های ایران و از جمله کارخانه لوانی نیست و نخواهد بود و متأسفانه تا برقراری یک نظم انقلابی در دوران کارخانه ها ادامه خواهد داشت. اما در اینجا فقط میخواستیم گوشزد کنیم که آیا وظیفه جلوگیری از اعتصاب و تعطیل کارخانه فقط به عهده کارگران است و یساکند، فرمایان هم باید تحت نظر قرار گیرند تا با فشار به کارگران باعث تعطیل کارخانه ها نشوند».

توزیع سیگار جستجو کرد. پس از کمیته مسئولیت توزیع به عهده شعبه های عمده فروشی واگذار شد. با این همه، نمایندگان توزیع پنحوی عملی کنند که بیشترین سهم به محکرمین تعلق میگیرد و این مساله به نارضایتی شدید خرده فروشان از طرفی و نایابی سیگار و نایابمانی در این شاخه اقتصاد کشور منجر شده است.

گفتیم که کاهش تولید سیگار تا حدودی ناشی از وضع موجود در کارخانه دخانیات است. سندیکی پیشین کارخانه که نماینده اش عباس میرزائی وکیل مزدور مجلس شه فرموده بود در جریان انقلاب منحل شد. پس از انقلاب کوششهایی بعمل آمد تا سندیکی از نو سازمان داده شود. این تلاشها هنوز بجائی نرسیده است زیرا عناصر غیر صالحی هر بار جلسه مجمع عمومی را متشنع کردند و بدین وسیله میخواستند کنترل آن را بدست گیرند.

کارخانه آملی پاکسازی نشده است. جز این که در بدو انقلاب چند کارمند که در وابستگی شان تردیدی نبود با گرفتن چهار ماه مرخصی با حقوق بازنشسته شدند. از این جهت هنوز عناصر وابسته به ساواک و خرابکاران در کارخانه فعالیت میکنند.

آب بستند و میلیونها نخ سیگار را نابود کردند. با توجه به مصرف زیاد سیگار و در انحصار دولت بودن آن به سادگی میتوان به عمق این دسیسه پی برد.

حد متوسط سن استخدامی کارخانه دخانیات ۱۴ سال است و این امر وزن کارگران جوان و بی تجربه را در کارخانه زیادت از معمول کرده و باعث شده که در نحوه برخورد و بدبالی کردن خواستهای کارگران ناراضیهایی دیده شود. از جمله عدم پرداخت مابه تفاوت ۸ ماه حقوق کارکنان و حق عائله بندی آنها باعث شده که در امر تولید کم کاری شود و این مساله خود به مشکلات موجود افزوده است.

طبیعی است تا زمانی که کارگران سندیکی خود را تشکیل ندهند و وحدت صنفی و تشکیلاتی نیابند با پراکندگی و سرگردانی کنونی خود قادر نخواهند بود ضد انقلاب را در کارخانه مهار کنند. این امر در شرایط فعلی بخصوص از این جهت اهمیت دارد که مسئولین امور در ام حیاتی پاکسازی و در حل مشکلات

# اخبار کارگری دخانیات را در یابید!

کارگران دخانیات تنها با شکل خود می توانند ضد انقلاب را مهار کنند

کارخانه دخانیات وابسته به وزارت صنایع و معادن، پیش از انقلاب ۳۶ میلیون نخ سیگار ایرانی و ۱۰ میلیون نخ سیگار وینیستون تولید می کرد. سیگار وینیستون با همکاری شرکت امریکایی وینیستون و با قرارداد پنجاه پنجاه تولید می شد. علاوه بر این مقدار، ۵۰ میلیون نخ سیگار دیگر نیز از خارج وارد می شد که توزیع آن بعهده شرکت شهر بود و این شرکت از هر دو پاکت سیگار وارده یک ریال سود می برد.

پس از انقلاب، اوج گیری جنبش ضد امپریالیستی، مبارزه با کالاهای امریکایی را در دستور روز قرار داد. در نتیجه بخش تولید سیگار وینیستون تعطیل شد. خرید سیگار خارجی نیز موقوف شد. تولید سیگار که در ابتدای ۶۰ میلیون نخ بود به سبب نایابمانی حاکم بر کارخانه و از جمله خرابی ماشینها، کارشکنی ها و خرابکاریها و بی توجهی مسئولین امر به ۵۰ میلیون نخ، تقلیل یافت. از طرف دیگر با وجود آن که این رقم

# استادی از تبار شهیدان خلق

## یك سال از شهادت استاد کامران نجات‌اللهی گذشت:

پنجم دیماه سالروز شهادت استاد کامران نجات‌اللهی، استادی دانشگاه پلی‌تکنیک است، که در روزهای اوج انقلاب ایران با گلوله دشمنان شاه در خون خفتی خویش فروغیت و به صف شهیدای انقلاب ایران پیوست.

استاد کامران نجات‌اللهی در ادامه مبارزه خدشه‌ناپذیر با استبداد و خلقی خود، سال‌ها پیش، در روزهای که سایه سر نیزه حکومت نظامی شه فرموده بر خاک خونین ایران گسترده بود، همراه دیگر استادان مبارز دست به تصنیف زد. در همین تصنیف با شلیک دشمن به شهادت رسید.

استاد شهید در سال ۱۳۳۰ در بیجار متولد شد و پس از طی تحصیلات عالی به عضویت هیات علمی دانشگاه پلی‌تکنیک درآمد. سپس از عضویت در هیات علمی دانشگاه پلی‌تکنیک و فعالیت‌های ملی‌دانشگاهی ایران استعفا داد. او یکی از متفکرترین اعضای آن پیمان‌میرت.

آخرین فعالیت اجتماعی و سیاسی استاد کامران نجات‌اللهی شرکت در تصنیف استادان وابسته به سازمان ملی‌دانشگاهی ایران در وزارت علوم بود، که در این ماجرا به شهادت رسید.

چهارشنبه ۲۹ آذرماه سال پیش، در اوج مبارزات قهرمانانه مردم ایران، سازمان ملی‌دانشگاهی نیز به رود خروشان انقلاب پیوست و استادان عضو این سازمان پدیده‌های اعتراض خود نسبت به تعطیل شدن دانشگاه‌ها، در دبیرخانه خانه دانشگاه تهران متجسّم شدند و در روز شنبه دوم دیماه، که چهار روز از تصنیف این استادان می‌گذشت، ۷ نفر از دیگر استادان دانشگاه‌های مختلف به وزارت علوم رفتند و چون با مقابله وزیر علوم روبرو شدند، تصمیم به تصنیف در وزارت علوم گرفتند.

مرکز گروه‌های مختلف مردم برای اعلام همبستگی خود به مقابله وزارت علوم رفتند و با دادن شهادت‌های مختلف این استادان مبارز را تشویق به ادامه تصنیف می‌کردند. استادان نیز از مصنیفان با لکن به ابراز احساسات نظامی - کتبی گان جواب می‌گفتند. آنکه ماموران نظامی رژیم خائن شاه سر می‌رسیدند و با شلیک گلوله مردم را پراکنده می‌کردند.

در روز سه‌شنبه ۵ دیماه ۵۸، با توجه به تهدیدهای دشمن برای

رژیم و مزدورانش گمان می‌کردند با به خاک و خون کشیدن مبارزان می‌توانند جلوی انقلابی را که میرفت همه آنها را به باد انهدان تاریخ بربزد، بگیرند.

پس از این حادثه، دولت نظامی از هادی تقاضا کرد تا جسد مهندس نجات‌اللهی برای تشییع جنازه به اوتحویل شود. ولی استادان دانشگاه و پس از آن از این امر سرباز ندادند و چهارشنبه ۶ دیماه ۵۷، تشییع جنازه باشکوهی با شرکت اقشار وسیع مردم تهران در خیابانهای انقلاب، کارگرومیدان ولی عصر انجام شد.

هنکامیکه جنازه استاد نجات‌اللهی به میدان انقلاب (۲۴ آذرماه سابق) رسید، یکباره دیگر کلوله در فضاهای افکنده و تشییع - کنندگانی که پیشاپیش حرکت می‌کردند، در خون غلیظ شدند. هنگام مرگ خون بود. جوانان کشته‌رویا نیمه‌جان بر زمین افتادند و با درشتی سندی بر استادان جنایات رژیم خائن وابسته به امپریالیسم آمریکا افزوده شد.

در آستانه سالگرد شهادت استاد کامران نجات‌اللهی، سرنگ باز نشده حن‌شاید یکی مزدور و رئیس سابق انتظامات علوم و آموزش عالی، بجزم قتل این استاد دستگیر و محاکمه شد.

دادگاه انقلاب آغاز شده است.

ما در سالگرد شهادت این استاد قهرمان، ضمن تقاضای دادگاه انقلاب برای مجازات سرچ زودتر قاتل نجات‌اللهی، یادش را گرامی می‌داریم. بدون شك مبارزه تا قطع کامل سلطه امپریالیسم و استقلال و آزادی ایران عزیزمان که این چنین قهرمانانی جان خود را در راه آن نثار کرده‌اند، تا پیروزی قطعی و نهائی ادامه خواهد یافت.

چندین هزار کارگر، دهقان و دانشجوی عصر دیروز برای ادامه مبارزه علیه فتودالیسم راهپیمایی کردند.

این راهپیمایی به دعوت سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران و انجمن‌های اسلامی دانشجویان و سازمانهای مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی از جلوی لانه جاسوسی آمریکا تا وزارت کشاورزی انجام شد.

ساعت ۲ بعد از ظهر دیروز، گروه‌های مختلف کارگران، دهقانان و دانشجویان از مرسو به سمت جاسوسخانه آمریکا آمدند. آنها شعار می‌دادند:

فتودال، فتودال، مرگت فرارسیده دهقان به حق خود رسیده - مستخف پیروز است - فتودال نابود است

آنها پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آن چنین نوشته شده بود:

- مبارزه با فتودالیسم جدا از مبارزه با امپریالیسم نیست

- طرح استاد رضا اصفهانی در مورد زمینهای مالکان بزرگ مورد تأیید نیست

- انقلاب ارضی، باعث پس‌گشت روستائیان مهاجر و احیای روستاها و خودکفائی کشور است.

راهپیمایان پس از پیامی که بوسیله یکی از دانشجویان پیرو خط امام مستقر در لانه جاسوسی قرائت شد، به طرف وزارت کشاورزی حرکت کردند.

گروهی از کشاورزان قسری، در حالی که داس بلندی را با خوشه‌های گندم جو و برنج تزیین کرده بودند، در پیشاپیش حرکت می‌کردند. در بین راه، گروهی از کارگران سقر ساز ایران نیز به راهپیمایان پیوستند و فریاد «کشاورز پیروز است - فتودال نابود است» -

در تمام طول راهپیمایی شنیده میشد، تظاهرکنندگان در جلوی وزارت کشاورزی اجتماع کردند و پس از خواندن پیام پاسداران پادگان توحید و کارکنان اسلام مجتهد شستری صحبت کرد. او ضمن سخنرانی خود گفت:

«مبارزه با آمریکا، مبارزه با ستم آمریکا است، چگونگی ممکن است ما با این ظلم و ستم آمریکا مبارزه کنیم، ولی در کشور خود با استثمار مبارزه نکنیم!»

پس از حجت‌الاسلام مجتهد شستری، دکتر شیبانی پیامی برای دهقانان فرستاد و سپس استاد رضا اصفهانی سخنرانی کرد. او گفت:

«فدال انقلاب آشوب پیا می‌کند و می‌خواهد آرزای گردن زدن بیاندازد، چون می‌داند تا من هشتم اصلاحات ارضی واقعی حساس است، ولی من تا وقتی که حق کشاورزان را به آنها نرسانم، از پای نمی‌نشینم.»

او در جای دیگر از سخنان خود گفت: «من از تمام کشاورزان می‌خواهم که به دشمن فرصت ندهند که بهانه پیدا کند. دست به هیچ اقدامی که از اجرای وزارت کشاورزی نگذشته است، نزنند.»

در پایان، قطعنامه راهپیمایی خوانده شد. در قطعنامه از جمله گفته شده بود:

«مبارزه با آمریکای جهانیستوار، دشمن شماره یک اسلام را بهر راه سایر اقتدار ملت، و با وحدت کلیه تحت‌تربری سازش‌ناپذیر امام‌خیزینی بزرگ تا محو کامل وابستگیهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی ادامه خواهیم داد.»

حمله راسکوایان لبنان به پشتیبانی اسرائیل به جنوب لبنان ادامه دارد

دو پناهگاه اسرائیلی در استان لبنان، که از حمایت مستقیم اسرائیل برخوردارند، چند ناحیه دیگر در جنوب لبنان را گلوله باران کرده‌اند. هدف از این حملات آن است که مانع استقرار حاکمیت دولت لبنان بر این مناطق شوند. از سوی دیگر هواپیماهای اسرائیلی بر فراز چند شهر لبنان پروازهای تخریبی انجام داده‌اند.

۷ هزار مبارز فلسطینی در زندانهای اسرائیل بسر می‌برند

شهردار رام‌اله در کرانه غربی رود اردن اعلام کرد که بیش از هفت هزار تن از مبارزان فلسطینی در زندان‌های صهیونیست‌های اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی بسر می‌برند. بنا به گزارش کمیسیون حقوق بشر در ژنو، شکنجه یکی از روش‌های معمول در زندان‌های اسرائیل است. از سوی دیگر یکی از مبارزان فلسطینی در زندان‌های صهیونیست‌ها بطور غیر منتظره درگذشت. زندانیان عرب در یکی از شهرهای اسرائیل به این خاطر دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

آمریکا رژیم سادات را بعنوان ژاندارم منطقه مسلح میکند

وزیر صنایع و تسلیحاتی رژیم مصر، پس از مذاکره با مقام‌های آمریکایی در واشنگتن، به قاهره بازگشت. وزیر مصری در واشنگتن درباره خرید سلاح‌های بازمی‌بشتر از آمریکا مذاکره کرد. قرارداد سدها تا تک و موشک ضد هوایی از سوی آمریکا به مصر تحویل داده شد. تسلیح ارتش مصر، علیرغم باصلاح «مسلح» پس اسرائیل، بخاطر نقشی است که سادات بتواند یکی از اژدهای امپریالیسم آمریکا عهددار شده است. اما آمریکا از سوی دیگر همچنان برتری نظامی اسرائیل را حفظ می‌کند، زیرا از آن بیم دارد که تحولات داخلی در مصر تغییر رژیم در این کشور، تمام محاسبات امپریالیست‌ها را بر هم زند.

# راه‌پیمایی بزرگ علیه فتودالیسم



دهقانان زحمتکش اعلام میدارند: زمین مال کسی است که روی آن کار کند

ما حمایت و پشتیبانی کامل خود را از اقدامات اسلامی بعضی مقامات مسئول وزارت کشاورزی، در جهت کوتاه کردن دست فتودال‌های غاصب و واگذاری زمین به روستائیان محروم، ابراز نموده و برای بهتر رسانیدن این اقدامات اصیل، آماده هرگونه همکاری و فداکاری می‌باشیم.

از اقدامات روحانیت متعبد اسلام که بگفته امام «روحانیت در خدمت مستخفین است»، در جهت هدایت و بسیج مردم برای تحقق بخشیدن به آرمانهای عادلانه اسلام و محو نظام فتودالی، ما حمایت کامل نموده و قطعنامه خواستار سرکوبی و افسای فتودالیست‌ها که برای ادامه چپاولگری ایشان، ضرورانه در زیر نام روحانیت سنگر گرفته‌اند،

تصرف شجاعانه لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را، که سر آغاز مبارزه نوین ضد امریکائی ملت ماست قطعنامه تأیید نموده و اعتقاد راسخ داریم که برای تقویت جنبه اسلام در مقابل ام‌الفساد قرن، امریکای خونخوار، باید قطعنامه عمل کرده و حالات پس در پی و همه‌جانبه خود را بر بیکر پوسیده آمریکا وارد سازیم. «ارگانهای اجرائی، بخصوص شورای انقلاب مکلف است که با اقدامات سریع جهت درهم‌کوبیدن پایگاه‌های امپریالیسم و افسای قراردادهای تنگین استعماری و شبکه‌های جاسوسی، جبران کوتاهیهای گذشته را در جهت نابودی ایادی داخلی استثمار بنماید.

اعتقاد راسخ داریم که رسیدن به خودکفائی اقتصادی فقط در صورتی امکان دارد که برای حل مسئله زمین روستاییان نارواری نظام ضد بشری فتودالیسم، به شیوه‌های انقلابی اسلام متوسل شده و با الهام از پیش‌اصیل اسلامی چون «الارض لمن احیاه» یعنی زمین از آن کسی است که با کار خود زنده‌اش می‌سازد. «و لیس للانسان الا ماسمه» یعنی هر کس (زارع) مالک حاصل کار خویش است، ضوابط مکتبی را در امر مالکیت زمین و کشاورزی پذیرفته و پیروزی انقلاب اسلامی را در این مرحله تحقیق بخشیم.

ما حرکت‌های انقلابی روستائیان ستم‌دیده را بر علیه ستم‌های فتودالی، برحق دانسته و سوءاستفاده‌های عوامل فرستاده طلب و فسادناپذیر را که در اثر بی‌توجهی مقامات مسئول در مورد زمین‌های کشاورزی صورت گرفته، محکوم می‌کنیم.

## راه‌پیمایی وسیع علیه فتودالیسم در شیراز

صبح دیروز پدعوت ستاد دانشجویان دانشگاه شیراز راهپیمایی وسیع علیه فتودالیسم انجام شد. در این راه‌پیمایی وسیع گروه‌کنیری از مردم شیراز از جمله مواداران حزب توده ایران و جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در پیش‌از شرکت داشتند. (گزارش کامل این راه‌پیمایی در شماره فردای مردم چاپ می‌شود)

## رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها)، بیانیه‌ها و... منتشره در «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است.

خوانندگان گرامسی میتوانند در خارج از کشور به آدرس‌های زیر با «مردم» مکاتبه کنند

پاریس  
Rigal Albert  
BP 75180  
75001 Paris  
France

## رویدادهای جهان

بین اتحاد شوروی و آنگولا تفاهم کامل برقرار است

وزیر امور دودو در شانتوش، رئیس جمهوری آنگولا، پس از بازگشت به لوآندا گفت که مذاکرات وی در مسکو با رهبران اتحاد شوروی بسیار بی‌خوش بوده است. رئیس جمهوری آنگولا گفت که میان دو کشور تفاهم کامل در همه زمینه‌ها برقرار است و این دیدار به تحکیم روابط کمک می‌کند. رسانه‌های شوروی آنگولا در اظهار نظرهای خود در مورد سفر رئیس جمهور این کشور از اتحاد شوروی، این دیدار را بسیار بی‌خوش دانستند.

رژیم سادات با ورشکستگی اقتصادی روبرو است

بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه اعلام کرد که مصر در سال آینده دست کم به سه میلیارد دلار کمک فوری نیاز دارد تا از ورشکستگی اقتصادی نجات یابد. رژیم سادات اکنون با نرخ تورم بسیار بالا و بی‌کاری فزاینده روبرو است و سیاست‌های اقتصادی «دردهای باز» که هدف از آن بازگذاشتن دست‌انحصارات امپریالیستی در کشور بود، اوضاع اقتصادی را وخیم‌تر کرده است.

آمریکا رژیم سادات را بعنوان ژاندارم منطقه مسلح میکند

وزیر صنایع و تسلیحاتی رژیم مصر، پس از مذاکره با مقام‌های آمریکایی در واشنگتن، به قاهره بازگشت. وزیر مصری در واشنگتن درباره خرید سلاح‌های بازمی‌بشتر از آمریکا مذاکره کرد. قرارداد سدها تا تک و موشک ضد هوایی از سوی آمریکا به مصر تحویل داده شد. تسلیح ارتش مصر، علیرغم باصلاح «مسلح» پس اسرائیل، بخاطر نقشی است که سادات بتواند یکی از اژدهای امپریالیسم آمریکا عهددار شده است. اما آمریکا از سوی دیگر همچنان برتری نظامی اسرائیل را حفظ می‌کند، زیرا از آن بیم دارد که تحولات داخلی در مصر تغییر رژیم در این کشور، تمام محاسبات امپریالیست‌ها را بر هم زند.

## رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها)، بیانیه‌ها و... منتشره در «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است.

## رویدادهای جهان

بین اتحاد شوروی و آنگولا تفاهم کامل برقرار است

وزیر امور دودو در شانتوش، رئیس جمهوری آنگولا، پس از بازگشت به لوآندا گفت که مذاکرات وی در مسکو با رهبران اتحاد شوروی بسیار بی‌خوش بوده است. رئیس جمهوری آنگولا گفت که میان دو کشور تفاهم کامل در همه زمینه‌ها برقرار است و این دیدار به تحکیم روابط کمک می‌کند. رسانه‌های شوروی آنگولا در اظهار نظرهای خود در مورد سفر رئیس جمهور این کشور از اتحاد شوروی، این دیدار را بسیار بی‌خوش دانستند.

رژیم سادات با ورشکستگی اقتصادی روبرو است

بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه اعلام کرد که مصر در سال آینده دست کم به سه میلیارد دلار کمک فوری نیاز دارد تا از ورشکستگی اقتصادی نجات یابد. رژیم سادات اکنون با نرخ تورم بسیار بالا و بی‌کاری فزاینده روبرو است و سیاست‌های اقتصادی «دردهای باز» که هدف از آن بازگذاشتن دست‌انحصارات امپریالیستی در کشور بود، اوضاع اقتصادی را وخیم‌تر کرده است.

آمریکا رژیم سادات را بعنوان ژاندارم منطقه مسلح میکند

وزیر صنایع و تسلیحاتی رژیم مصر، پس از مذاکره با مقام‌های آمریکایی در واشنگتن، به قاهره بازگشت. وزیر مصری در واشنگتن درباره خرید سلاح‌های بازمی‌بشتر از آمریکا مذاکره کرد. قرارداد سدها تا تک و موشک ضد هوایی از سوی آمریکا به مصر تحویل داده شد. تسلیح ارتش مصر، علیرغم باصلاح «مسلح» پس اسرائیل، بخاطر نقشی است که سادات بتواند یکی از اژدهای امپریالیسم آمریکا عهددار شده است. اما آمریکا از سوی دیگر همچنان برتری نظامی اسرائیل را حفظ می‌کند، زیرا از آن بیم دارد که تحولات داخلی در مصر تغییر رژیم در این کشور، تمام محاسبات امپریالیست‌ها را بر هم زند.

## فرهنگ

ارگان مرکزی حزب توده ایران

خیابان ۱۶ آذر - شماره ۶۸ - تلفن: ۹۳۳۳۵۹-۹۳۵۷۲۸

چاپ، کاویان

## MARDOM

No 127 - 26 December 1979

Price:  
West - Germany 0.80 DM  
France 2 fr  
Austria 8 sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 fr.  
Italy 350 L.  
USA 50 Cts.